



دانشنامه

فقه اهل بیت علیهم السلام

تألیف:

محمد تقی راشد خراسانی

۱۳۸۵

جلد اول

همراه با ویراستاری جدید

آب - آرنج

راشدی خوانساری، محمد تقی، ۱۳۴۲
دانشنامه فقه اهل بیت علیهم السلام / تألیف محمد تقی راشدین خوانساری.
ویراست ۲.

قم: انتشارات انصاریان، ۱۳۹۷

ISBN: 978-964-219-612-8 (vol. 1)

Islamic Law -- Encyclopedias -- ۲

۲۹۷/۰۳

شماره کتابشناسی ملی: ۵۵۲۶۹۲۷

ج. ۱. (آب - آرنج)

۱ - فقه - دایره المعارف ها

BP۵/۲/۱۵۲

۱۳۹۷

دانشنامه فقه اهل بیت علیهم السلام جلد اول

ویراست جدید

(آب - آرنج)

نویسنده: محمد تقی راشدین خوانساری

ناشر: انتشارات انصاریان

چاپ اول ۱۳۹۷ - ۲۰۱۹ - ۱۴۴۰

جایگاه: قدس

شمارگان: ۳۰۰۰ جلد

تعداد صفحات: ۴۰۸ ص.

قطع: وزیری

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۱۹-۶۱۲-۸

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است



انتشارات انصاریان

قم - جمهوری اسلامی ایران

خیابان شهدا - کوچه ۲۲ - ص.ب ۱۸۷

تلفن: ۳۷۷۴۱۷۴۴ (۲۵) (۹۸) دورنما: ۳۷۷۴۲۶۴۷

پست الکترونیک: Int_ansarian@yahoo.com

www.ansariyan.ir

تماس با مؤلف: ۰۹۱۹۱۹۸۱۹۰۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لَا نَفَرَ
مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ
وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ
لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ

و شایسته نیست مؤمنان همگی برای جهاد کوچ کنند. پس چرا از هر فرقه‌ای
از آنان دسته‌ای کوچ نمی‌کنند تا دسته‌ای بمانند و در دین آگاهی پیدا کنند و
قوم خود را وقتی به سوی آنان بازگشتند بیم دهند باشد که آنان از کیفر الهی
بترسند؟

توبه: ۱۲۲

عن حماد بن عثمان عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا فَقَبَّلْهُ فِي الدِّينِ».

حماد بن عثمان از امام صادق از پدرانش روایت می‌کند که رسول خدا ﷺ فرمود:
هر گاه خداوند خیر بنده‌ای را بخواهد او را در دین فقیه و دانا می‌گرداند.

الكافي ۱ : ۳۲، باب صفة العلم وفضله

فہرست مصطلحات جلد اول

آب	۵۹
آبادی	۷۵
آب استنجاہ	۷۷
آب انگور	۸۱
آب باران	۹۱
آب بیسی	۹۷
آب پاشی	۱۰۱
آب جاری	۱۰۵
آب جو	۱۰۹
آب چاہ	۱۱۱
آب چشمہ	۱۱۷
آب حمام	۱۱۹
آب خالص	۱۲۲
آب دھان	۱۲۳
آب راکد	۱۲۷
آبرو	۱۲۹
آب زمزم	۱۳۵
آب سرد	۱۴۰
آبشار	۱۴۵
آب غضبی	۱۴۶
آب غورہ	۱۵۰
آب فرات	۱۵۲

۱۵۷	آب فواره.
۱۵۸	آبق
۱۵۹	آب قلیل
۱۶۲	آب کثیر
۱۶۳	آب کُر
۱۶۷	آب گرم
۱۷۳	آله
۱۷۵	آب مقطر
۱۷۶	آب نجس
۱۸۱	آبونمان
۱۸۳	آب مذاپ
۱۸۵	آب مُستعمل
۱۸۷	آب مشتبّه
۱۹۲	آب مشکوک
۱۹۴	آبهای عمومی
۲۰۰	آب مضاف
۲۰۱	آب مطلق
۲۰۹	آبیاری
۲۱۳	آپارتمان
۲۲۴	آتش
۲۳۷	آتش بس
۲۵۰	آتش پرستی
۲۵۵	آتشکده
۲۶۲	آثار باستانی
۲۷۱	آثار مقدّس

۲۷۲	آجام
۲۷۶	آجر
۲۸۲	آجن
۲۸۳	آخرت
۳۰۰	آخر وقت
۳۰۲	آداب
۳۰۴	آدامس
۳۰۵	آدم
۳۱۴	آدم ربانی
۳۱۹	آدم فروشی
۳۲۰	آدمی
۳۲۰	آذوقه
۳۲۳	آراستن
۳۲۷	آرامش
۳۴۴	آرای عمومی
۳۴۷	آرد
۳۵۰	آرزو
۳۶۱	آروغ
۳۶۳	آرنج

تقدیر و سپاس

از آنجا که پس از چاپ اول کتاب «دانشنامه فقه اهل بیت (علیهم السلام)» از محضر اساتید و صاحب نظران حوزه و دانشگاه درخواست راهنمایی و ارشاد کردم، جمعی از آقایان محترم ضمن مطالعه و بررسی کتاب تشکراتی مبنی بر بهتر شدن کیفیت آن برای اینجانب فرستادند، لذا آنچه را که وارد دانستم به منت پذیرفتم و سعی کردم در ویرایش جدید ضمن برطرف کردن اشکالات ارسال شده توسط اساتید و صاحب نظران محترم، بار دیگر تمام کتاب را مجدداً با دقت بررسی نموده و مطالب ناقص یا جا افتاده را تکمیل و تصحیح کردم.

در اینجا لازم می‌دانم از تمامی اساتید و فضلا و صاحب نظران که اینجانب را با ارشادات خود راهنمایی کردند، خصوصاً استاد ارجمند جناب حجة الاسلام والمسلمین محمد حسین شفیعی که یک دور کامل کتاب را مطالعه کردند و نظرات ارزشمند خود را برای اینجانب ارسال نمودند تشکر و قدردانی کنم، و جهت ارتقاء این دانشنامه در ویرایش‌های بعدی تقاضا دارم که استاتید معزز اینجانب را از راهنمایی‌های خود محروم نفرمایند.

پیشگفتار

بسم الله الرحمن الرحيم

شکر و سپاس بی حد بر آن خدای یگانه که خالق هستی است و انسان را از سر لطف و مرحمت آفرید و به او کرامت بخشید .

خدایی که لباس عزّت و وقار مخصوص ذات اقدس اوست، علمش بر همه چیز محیط و دانای اسرار نهان است .

یکنای بی همتایی که زبان‌ها از آدای حقّ وصفش عاجز و عقل‌ها از درک کنه معرفتش مدهوش است .

کریمی که فضل و کرامت و بخشش و عطایش بر بندگان دائم است .

معبودی که جز به لطف و رحمتش امیدواری نیست، و غیر از عدل و دادش از چیزی نمی‌ترسیم، و جز به قول و کتابش به چیزی اعتماد نداریم، و جز به رشته عروة الوثقیاش به چیزی چنگ نمی‌زنیم .

و درود و صلوات بر خاتم پیامبران حضرت محمد مصطفی ﷺ و اهل بیت طاهرین او .

و بعد :

بی تردید پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام عظیم‌الشان راجع (قدس الله نفسه الزکیة) و برپائی حکومت اسلامی بر مبنای ولایت فقیه بزرگترین رویداد تاریخ اسلام در دوران غیبت کبرای حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است، و نیز روشن‌ترین دلیل و برهان عینی و عملی بر حقانیت مبانی اعتقادی و فکری مکتب تشیع، و پویایی و توانائی فقه امام جعفر صادق علیه السلام بر حل معضلات جامعه بشری، و اداره امور انسانها در پیشرفته‌ترین دورانه‌های علمی و پیچیده‌ترین شرایط و روابط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی حاکم بر جامعه انسانی است.

بخشی از این توانائی و پویائی فقه جعفری محصول تلاشهای طاقت فرسا و مخلصانه‌ای است که توسط فقیهان وارسته و عالمان زاهد و خدا ترس در دورانهای سیاه اختناق و تحت فشار شکننده محرومیت‌های مضاعفی که از هر سو بر جامعه تشیع و به ویژه روحانیت فداکار شیعه تحمیل می‌شد انجام گرفته است.

حوزه‌های علمیه و فقه‌های بزرگوار اسلام در طول تاریخ برای حفظ فقه اسلامی و دفاع از شریعت مقدس تلخی‌های بسیار به جان خریده‌اند. چه بسیار بزرگانی که در راه آرمان و حفظ دین خدا همچون شهید اول سر و جان دادند و خون سرخشان اوراق کتاب فقاقت را رنگین کرد و گاه اجسادشان را سوزانند و خاکسترشان را به باد دادند، اما آنان دست از تلاش نکشیدند و فقه را همچون گوهر گرانبهائی حفظ نمودند.

اکنون که انقلاب اسلامی ملت بزرگ ایران به رهبری خلف صالح امام راحل (قدس سره) حضرت آیه الله العظمی خامنه‌ای دوران سازندگی و سازماندهی جامعه نوین و مترقی اسلامی را طی می‌کند، آن چه بیش از هر چیز دیگر شرط اصلی موفقیت و سلامت در این مرحله حساس است، ارائه راه حل‌های ره‌گشا، و طرح‌های چاره ساز فقهی است که علاوه بر ویژگی اصالت فقهی و اسلامی از ویژگی همپائی با شرایط و روابط پیچیده جهان حاضر نیز برخوردار باشد. بدین جهت، و نیز به منظور آشنایی هر چه بیشتر مجامع علمی و تحقیقی کشور با میراث گرانبهائی بزرگان فقه، و نیز با هدف آشنایی هر چه بهتر و بیشتر نسل انقلاب با فقه پویای جعفری که از افتخارات جامعه اسلامی و در عرصه اندیشه و عمل، عالی‌ترین وسیله برای رسیدن به مراتب فضیلت و کمال انسانی است، تصمیم به تدوین دانشنامه فقه اهل بیت (علیهم‌السلام) گرفته شد، مجموعه‌ای که بتواند لافل در قدم اول مهم‌ترین اطلاعات مربوط به مباحث فقهی را از گذشته تا حال، یکجا در دسترس خواستاران آنها بگذارد.

این کتاب به زبان فارسی و با نظم الفبائی تنظیم گردیده است و سعی شده در عین اتقان علمی و بیان أدله فقهی از ثنری روان و ساده برخوردار باشد تا همه علاقه‌مندان به آگاهی از مباحث فقهی از آن بهره‌مند شوند.

نکته مهمی که دانشنامه در تألیف مقالات، خود را موظف به رعایت آن می‌داند، اصل پرهیز از ترجیح نظری بر نظر دیگر در مسائل مختلف فیه است. در این گونه موارد دانشنامه فقط به ذکر آراء مختلف اکتفاء می‌کند و خود از هیچ یک از اطراف نظر جانبداری نمی‌کند، بلکه با معرفی منابعی که در آن‌ها از این آراء سخن گفته شده است به مراجعه کننده امکان می‌دهد که خود به سراغ آن‌ها برود و سرانجام خود قضاوت کند.

در پایان از همه صاحب نظران و اساتید معظم می‌خواهیم با ارائه و انعکاس رهنمودهای ارزشمند خود ما را در این امر خطیر علمی یاری نمایند.

ای خدای مهربان! این خدمت ناچیز را از ما به کرمیت قبول فرما، و ذخیره معاد و روز جزای ما قرار ده. و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

محمد نقی راشدی

خوانساری

مقدمه

فقه در لغت: به معنای مطلق فهم^(۱) یا فهم دقیق است.^(۲) و بیشتر بر علم دین اطلاق می‌شود؛ زیرا علم دین بر سایر انواع علم فضیلت دارد.

و در محاورات و عبارات بر چند معنی مختلف اطلاق و در هر یک از آن‌ها بکار رفته که از آن جمله است «فهم دقائق».

چنانکه در آیه قرآن آمده است: «مَا تَفْقَهُ كَثِيرًا مِّمَّا تَقُولُ»^(۳)، یعنی بسیاری از آن چه می‌گوییم نمی‌فهمیم و درک نمی‌کنیم.

و در سوره توبه نیز می‌فرماید: «قُلُوا لَا تَقْرَأُ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ»^(۴)، یعنی پس چرا از میان هر فرقه از آنان، گروهی هجرت نمی‌کنند تا در مسائل دینی آگاهی بیابند.

و گاهی نیز به معنی بصیرت در دین می‌آید، خواه در قسمت اصول دین باشد یا در فروع آن - گرچه بیشتر در خصوص بصیرت نسبت به اصول دین بکار رفته است. شاید لفظ فقه در آیه شریفه «فَمَا لَهُمْ لَا يُكَادُّونَ يَتَفَقَّهُونَ حَدِيثًا»^(۵)، با در نظر گرفتن صدر و ذیلش، به همین معنی بکار رفته باشد.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بَعْدَ خَيْرٍ فَقَّهَهُ فِي الدِّينِ»^(۶)، یعنی آن‌گاه که خداوند خیر

(۱) صحاح اللغة ۲: ۴۹. مصباح المنیر: ۲۴۸. لسان العرب ۱۰: ۳۰۵.

(۲) معجم الفروق اللغوية: ۴۱۲.

(۳) سوره هود: ۹۱.

(۴) سوره توبه: ۱۲۲.

(۵) سوره نساء: ۸۰.

(۶) کافی ۱: ۳۲، ح ۳.

بنده‌ای را بخواهد، او را در مسائل دینی آگاهی می‌بخشد.

و در اصطلاح فقها به معنی دانستن احکام شرعی فرعی از راه ادله تفصیلی آنهاست. یعنی: قرآن، سنت، اجماع و عقل.^(۱)

دو نکته در تعریف اصطلاحی قابل توجه است: یکی آن که علم را به معنای فهم و معرفت به کار برده‌اند. و دوم اینکه علم به مسائل شرعی عملی را در محدوده کار فقه و فقیهان دانسته و مسائل شرعی غیر عملی را خارج از محدوده فقه دانسته‌اند.

مسئله دیگر در تعریف فقه این است که فقه، علم به احکام شرع در مسائل فرعی است. لفظ «فرعی» بدین مناسبت آورده شده تا احکام اصلی و کلی را خارج کنند؛ زیرا احکام فقه متعلق به مسائل عملی است و بر احوال و اعمال مکلفین در عبادات، معاملات و ارتباطات روزانه آنان مترتب است و این دسته از احکام، مسائل عملی و خاص مکلفین است. لذا احکام این نوع مسائل به فروع از احکام دین معروف شده تا از اصول دین ممتاز گردد.

بنابراین فقه، دانستن مجموعه قواعد، دستورات عبادی، حقوقی و جزایی است که از روی ادله و وسائط به دست می‌آید. این دانستن و علم تنها دانستن احکام نیست، بلکه دانستن استدلالی احکام است که در فقه هم در مسائل فرعی عملی است.

آغاز پیدایش عنوان فقه

عنوان فقه به معنای اصطلاحی آن پیش از هجرت پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله از مکه به مدینه منوره مصطلح و رایج نبوده، بلکه پس از هجرت پدید آمده است؛ زیرا آیات الاحکام - که بنابر قولی تقریباً حدود یک سوم قرآن است - در مدینه منوره نازل شد و آیاتی که در مکه مکرمه نازل شده مربوط به اصول اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی و ... می‌باشد. ولی از پاره‌ای احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله استفاده می‌شود که پیش از آن فقه به معنای مجموعه قوانین الهی به کار رفته، لیکن این عنوان نزد امامیه اصطلاح

(۱) عدة الأصول ۱: ۲۱. معالم الدین: ۳۳. الاصول العامة لفقه المقارن: ۱۵. مفتاح الوصول إلى علم الأصول ۱:

نشده است. (۱)

اهمیت دانش فقه

در نقش بسیار حسّاس و اهمیت دانش فقه از جهات گوناگون، جای هیچ گونه شک و تردیدی نیست. هر مسلمان باید از بام تا شام، باید و نبایدهای زندگی معنوی و مادی خود را در مسائل فردی، اجتماعی، عبادی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی از فقه بگیرد و نجات و سعادت و خوشبختی ابدی خود را در پرتوی آن تأمین کند. و از آن جا که عقل انسان بر تمامی مصالح و مفاسد احاطه ندارد و به تنهایی قادر نیست نیازمندی‌های اساسی خود را بشناسد - نه می‌تواند قوانین و مقرراتی وضع کند که از یک سو، تضمین‌کننده سعادت دنیوی، و از سوی دیگر، زمینه ساز سعادت اخروی‌اش باشد و نه تکالیفی را که موجب رسیدن انسان به کمال حقیقی یعنی قرب الهی است، تشخیص دهد - وحی و شریعت به یاری عقل آمده و قوانین و احکام سامان دهنده امور معاش و معاد بشر را به ارمغان آورده است.

شریعت اسلام، کامل‌ترین شریعت الهی است؛ از این رو، تمامی عرصه‌های زندگی بشر: خانواده، جامعه، فرهنگ، حکومت، سیاست و اقتصاد را دربر می‌گیرد و می‌تواند در تمامی اعصار تا روز قیامت پاسخگوی تمام نیازهای بشر باشد.

اگر فقه شیعه را با فقه دیگر فرق و مذاهب اسلامی مقایسه کنیم در می‌یابیم که فقه شیعی از جامعیت، پویایی و بالندگی ویژه‌ای برخوردار است؛ چرا که از سرچشمه زلال و جوشان وحی و دریای علم پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امامان معصوم (علیهم السلام) نشأت گرفته و در طول تاریخ سرافرازش، به دست فقیهان پر تلاش و ژرف نگر شیعه رشد یافته است.

فقه شیعی در پرتو اجتهاد زنده و پویای خود، همچنان راه تکامل و پیشرفت را می‌پیماید و هم اکنون به برکت قیام پیامبر گونه حضرت امام خمینی «قدس سرّه» که آن را «تئوری واقعی و کامل

(۱) ادوار فقه و کیفیت بیان آن: ۷.

ادارهٔ انسان و اجتماع از گهواره تا گور»^(۱) می‌دانست، مبنای حکومت و قوانین و مقررات نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران است.

علامهٔ حلی - رضوان الله علیه - در مقدمهٔ کتاب «تحریر الاحکام» در فضیلت و منزلت علم فقه آورده است: «با فضیلت‌ترین علم پس از شناخت خداوند تبارک و تعالی، علم فقه است؛ زیرا سامان دهندهٔ امور معاش و معاد مردم است».^(۲)

رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله العظمی امام خامنه‌ای (مد ظله) دربارهٔ جایگاه علم فقه و لزوم توجه بنیادی حوزها به آن می‌گوید:

«اصل علم در حوزه‌های علمیه فقه است. این چراغ فقاقت است که باید در این حوزه‌ها مشتعل بشود و روشن بماند تا نور بپاشد. بالاترین و ذی قیمت‌ترین و ارزشمندترین اهداف این درس خواندن این است که انسان فقیه بشود یعنی آشنای با دین، با اندیشهٔ دینی و با مبانی فکری دین.

وقتی ما می‌گوییم نظام اسلامی، معنایش این نیست که یک عده مسلمان دور هم بنشینند، یک نظام حکومتی - هر چه شد - درست کنند. این نظام اسلامی نیست. نظام اسلامی یعنی آن نظامی که بر مبنای ارزش‌های این مکتب بنا می‌شود.

بنیادین و سازندگان این نظام، نظریه‌ها را از کجا بگیرند؟ یک عده متفکر و نظریه پرداز لازم است. به تعبیر فقهی و شرعی‌اش، یک عده فقیه لازم است. اگر این فقیه نبود، آن نظام نیست. اگر نظریه پردازان اسلامی نباشند، آن صورت نظام، یک صورت بی‌جان است؛ ولی اگر باشند، و لو در صورت نظام هم خللی وجود داشته باشد، اما «تا ریشه در آب است، امید ثمری هست».

تا ریشه محکم است، تا تفکر اسلامی و نظریه‌شناسان و نظریه‌پردازان هستند، امکان آن که این نظام تکامل پیدا بکند هست؛ مثل درختی که ریشه‌اش در یک خاک بارور و حاصلخیز و برخوردار از آب و نور خورشید است. اگر الان هم این درخت، خیلی برگ و باری نداشته باشد، شما یقین دارید

(۱) صحیفهٔ نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی (ره) ۲۱: ۹۸.

(۲) تحریر الاحکام ۱: ۴۰.

که برگ و بار پیدا خواهد کرد.

حوزه برای فقاہت باید سرمایه گذاری بیش از این بکند. بعضی‌ها خیال می‌کنند که امروز فقاہت در حوزه‌ها منسوخ شده است. نه، در حوزه‌ها هیچ چیز جای فقاہت را نمی‌گیرد.

ممکن است بعضی از جوانان و تازه واردان و بعضی از کسانی که نمی‌دانند نقش فقاہت و فقیه در ایجاد این تحول عظیم انقلابی چه بوده است و در ادامه این نظام چقدر می‌تواند نقش داشته باشد بگویند: فقاہت چیست؟ چقدر باید کتاب رسائل و مکاسب و فقه و اصول و درسهای خارج و مباحث فقهی و استدلالی را تکرار کنیم و بخوانیم؟ این اشتباه است. فقه، مبنای کار ماست.^(۱)

هدف از علم فقه

انسان پس از ایمان به خداوند متعال و شریعت آسمانی اسلام و احساس مسئولیت در برابر پروردگار، از آنجا که در امثال اوامر و اجتناب نواهی، خود را بنده خداوند می‌شمرد، لذا بر خود لازم می‌داند که رفتار و کردار خود را در همه جنبه‌های زندگی بر اساس قانون آسمانی و شریعت اسلام انجام دهد. و عقل و اندیشه‌اش او را وادار می‌دارد که در همه تصرفات فردی و اجتماعی خود، تنها بر اساس آن شریعت حکم کند، بدین معنی که خود را ملزم بداند که همواره از وظیفه‌ای که دین او عمل بدان را فرمان داده است پیروی نماید، در این که فلان کار را انجام دهد یا ترک کند، و این که بر طبق این روش قدم بردارد یا آن شیوه، باید ببیند که مکلف و مذهبش چه حکمی دارد، و چه وظیفه‌ای برای او تعیین کرده است. اگر دین او عملی را تجویز می‌کند انجام دهد، و اگر او را از کاری باز می‌دارد، به ترک آن کار همت کند. اگر به او اجازه می‌دهد که در کاری تصرف کند، دست به کار شود، و اگر از دخالت در آن نهی می‌کند از انجام آن باز بماند.

از آنجا که اوامر و نواهی شریعت در همه وقایع و رویدادها واضح و مشخص نبود، بنابراین تعیین وظیفه انسان در برابر شریعت آسمانی، نیازمند بحث علمی دقیق و بررسی گسترده‌ای بوده است. و اگر وظیفه افراد امر روشن و واضحی بود هرگز نیاز به مطالعه و بررسی نداشت و دست

(۱) حوزه و روحانیت در آیین رهنمودهای مقام معظم رهبری ۲: ۲۲۷ - ۲۲۹.

یافتن بدان برای هر فرد، امر سهل و آسانی به شمار می‌رفت. ولی علل و اسباب گوناگون باعث شده است که بسیاری از احکام فقهی و شرعی دقیقاً واضح نباشد. از جمله علل، می‌توان بُعد زمانی ما را از مرحله نخست ادوار فقه اسلامی، یعنی: عصر تشریع که از زمان بعثت تا وفات پیامبر است به شمار آورد.

در نتیجه انسان به تنهایی در برابر بسیاری از امور، وظیفه خود را دقیقاً درک نمی‌کند. وقتی انسان حکم شرعی واقعه را نداند که کدامیک از احکام پنجگانه وجوب، حرمت، استحباب، کراهت و اباحه است، چگونه می‌خواهد وظیفه خود را دریابد تا بر طبق آن عمل نماید؟

بنابراین بسیار ضروری است که علمی پدید آید و در صدد تعیین وظیفه شرعی انسان باشد، و انسان را در شناخت احکام و وظایف شرعی از روی دلیل یاری دهد. از اینجا بود که علم فقه پدید آمد تا عهده‌دار این مسئولیت مهم شود و کار فقیه این است که برای وظایف فردی، اجتماعی، تجاری و دینی انسان، دلیل می‌آورد، و این کار فقه در اصطلاح علمی «عمل استنباط» نامیده می‌شود، و منظور از آن، استنباط حکم شرعی است.

پس هدف از فقه، آشنایی همراه با دلیل بر تعیین وظیفه شرعی انسان در برابر هر حکم و واقعه است.

شمولیت فقه اسلامی

قوانین فقهی، زاده عقل محدود بشر نیست تا در نتیجه به نژاد قبیل، طایفه، قوم، سرزمین و نسل و زمان و مکان خاصی محدود شود، بلکه حکمت الهی آن را برای مصلحت انسان در همه نسلها و سرزمینها و اقوام و طوایف و نژادهای گوناگون و زمانها و مکانهای مختلف وضع کرده است، و از همین رهگذر است که اندیشه‌های پاک و تابناک بشری آن را مورد پذیرش قرار داده است، و هر چه زمان بگذرد و اندیشه بشریت تکامل یابد، مجال دیگری پدید می‌آید تا به وسیله علم فقه پرده از اسرار تازه‌ای کنار رود، و احکام ارزنده‌ای در راستای تکامل و پیشرفت بشری عنوان شود و تشکیلات منسجم نوینی برای زندگی انسان‌ها پی‌ریزی گردد. قوانین فقهی پایه‌های زندگی عملی و تازه‌ای را برای انسان می‌ریزد که بر اساس ساختار اجتماعی دقیقی استوار گشته، و معیارهای کاملی

را برای همیاری و تعاون انسانها ارائه می‌دهد، چنانکه مسئولیت عبادی مردم در برابر خداوند را همپای طرح تشکیلات سیاسی جامعه می‌نمایاند.

قوانین فقهی اسلام از استوارترین شریعی است که از اجتماع مسلمین، جامعه‌ای سالم و به دور از همه مشکلات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می‌سازد، جامعه‌ای که قانون و تشکیلات بر آن حکومت می‌کند، و ایمنی و خرسندی و اعتماد متقابل در میان آحاد آن دیده می‌شود. بنابراین فقه در راستای معارف اسلامی دارای تأثیر فراوانی بر جامعه است.

از همین رو، اندیشمندان و فرزندگان، شب و روز در پاسداری از اصول فقه و اصلاح قواعد و تنظیم مدارک و ترتیب بخش‌ها و فصول آن بی‌وقفه کوشیده‌اند. و هر یک به سهم خود کتاب‌های ارزشمندی در باره مسائل آن تألیف و تصنیف کرده‌اند. و این شیوه در مراحل و دوره‌های مختلف تا به امروز ادامه یافته است.

امتیازات فقه اهل بیت (علیهم السلام):

فقه شیعه دارای امتیازاتی است از جمله:

الف - فقه امامیه فروع و شاخه‌های بسیاری دارد. شمولیت، تحقیق، ژرف‌نگری و دقت در استدلالی که در آن دیده می‌شود در هیچ فقه دیگری یافت نمی‌شود. این همه از بهره و برکت «اجتهاد» است که بر مبنای آن مسائل فرعی تازه به اصول پایه عودت داده می‌شود، و قواعد کلی بر مصادیق خارجی منطبق می‌گردد، و این چنین است که محدوده تشریع از جهت مصادقات‌های خارجی و مسائل مستحدث گسترش یافته، ولی اصول زیر بنا همچنان بکر باقی مانده است.

ب - اصیل و ریشه دار بودن: فقه امامیه در اعماق تاریخ اسلام حضور خود را به اثبات رسانده است و ریشه‌های آن به صدر اسلام و قبل از پیدایش مذاهب دیگر برمی‌گردد. این فقه در امتداد تاریخی خود به سرچشمه زلال و منبع امانی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) برای امت برگزیده، یعنی به ائمه اطهار (علیهم السلام)، متصل می‌شود. ائمه (علیهم السلام)، عدل قرآن معرفی شده‌اند و علم را پدر و پدر را رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرا گرفته‌اند.

ج - گستردگی و امتداد: از امتیازات فقه شیعه گستردگی آن است، کتابخانه فقه شیعی سرشار از آثار نفیس و ارزشمندی است که در طول قرون متمادی تألیف شده‌اند حتی گاهی تنها يك فقیه شیعه

دهها تألیف از خود به یادگار نهاده است، مانند شیخ طوسی، علامه حلی، شهید اول و شهید ثانی. پدیده افتتاح باب اجتهاد در فقه شیعه نقش بزرگی در توسعه قلمرو این فقه و توانمندی اندوخته های آن داشته است.

د - عمق و دقت: حرکت پویای اجتهاد، فقه شیعه را از سایر فقه‌ها پیشتاز و به استدلال‌های آن عمق بخشید و ژرفا به آن را در تفریع توانمند ساخت و به گشودن افق‌های جدید و پیشرفت فقه شیعه، انجامید.

از عوامل مؤثر در این عرصه، اتکای فقه امامیه بر نصوص و ادله‌ای است که در قرآن و روایات معصومین علیهم‌السلام تجلی یافته است، نه بر رأی و ظنون شخصی بر آمده از قیاس و استحسان. افزون بر این تکامل نظریات و مکاتب اصولی شیعه نیز با بارور کردن شیوه استنباط و استدلال در فقه شیعه، سبب رشد و شکوفایی آن شده است.

ه - پویایی و به روز بودن: بی تردید باز بودن میدان اجتهاد برای فقیه در استفاده از ادله شرعی، او را وامی دارد تا مسائل ملموس و مورد ابتلای مردم را به بحث بکشانند. این عامل، سهمی ویژه در ایجاد فضای مساعد برای ابتکار و پویایی و روز آمدن فقه شیعه دارد.

و - فقه شیعه دارای مصادری ناب و بی‌پیرایه است که فقه و حدیث را از آن استخراج می‌کند و بعد از کتاب الهی زیر بنای اساسی تفکر فقهی اوست. پاکی و بی‌پیرایگی مصادر فقهی شیعه نشأت گرفته از اعتقاد به عصمت ائمه است که بیانگر اصلی احکام و راریان سنت پیامبرند، و تنها شیعه امامان خود را از خطا و فراموشی و غفلت و گناه معصوم می‌داند.^(۱)

غنیای فقه شیعه

فقه شیعه که برگرفته از کتاب و سنت نبوی است، فقهی ریشه دار و غنی است که شجره طیبه آن در هیچ برهه‌ای از تاریخ از ریشه جدا نشده است.

فقهای شیعه افزون بر تمسک به کتاب، از سخنان امامان علیهم‌السلام نیز بهره می‌گیرند که ریشه‌های آن

(۱) ادوار فقه و کیفیت بیان آن: ۳۵.

به سنت رسول خدا منتهی می‌شود، امامان بازگو کننده سنت رسول خدا و شارح کلمات آن حضرت بودند، بنابراین، سرچشمه فقه اهل بیت کتاب خدا و سنت ناب رسول خداست، که توسط امامان تبیین شده است.

در روایات فراوانی از امامان (علیهم السلام) نقل شده که آنچه ما می‌گوییم از رسول خداست، یا حدیث ما، حدیث پدران ما و حدیث رسول خداست.^(۱)

با توجه به عدم انفکاک فقه اهل بیت از سنت نبوی و ریشه دار بودن آن، غنای این فقه مشهود است، به ویژه که فقه‌های اهل بیت، هرگز احساس خلاء قانونی نمی‌کنند و خود را بی نیاز از قیاس و استحسان و مانند آن می‌دانند.

فراگیر بودن فقه نسبت به همه نیازها

چنانکه گذشت از همه فطری بودن و خاتمیت دین، استیعاب و فراگیر بودن فقه اسلامی نسبت به همه اعصار و امصار، و در نتیجه توان پاسخگویی آن نسبت به همه نیازهای انسانی در طول زمان است. و این مطلبی است که هم تعدادی از آیات، به آن پرداخته است و هم از بعضی از روایات استفاده می‌شود: از آیات، علاوه بر آیات دال بر فطری بودن و خاتمیت دین و آیه همگانی بودن رسالت پیامبر مکرّم: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ»^(۲) و آیه اکمال «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ...»^(۳)، علاوه بر همه اینها، در آیه «نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ»^(۴) نیز به آن تصریح شده است. و از روایات، روایات فراوانی بر این فراگیری دلالت دارد که در فصل‌های متعددی از این کتاب به آن اشاره شده است، در اینجا نیز به بیان سه روایت اکتفا می‌شود:

۱- در حدیث معروف حجة الوداع در کتاب مستدرک حاکم نیشابوری چنین می‌خوانیم که پیامبر

(۱) مجموعه این احادیث که بیش از ده روایت است، که با تعبیرات مختلف در جلد اول جامع احادیث الشیعه، ص ۱۸۰ به بعد آمده است.

(۲) سورة سبأ: ۲۸.

(۳) سورة مائده: ۳.

(۴) سورة نحل: ۸۹.

اکرم ﷺ فرمود: «يا أيها الناس واللّٰه ما من شيء يُقَرِّبُكُمْ من الجنّة ويُباعدُكُمْ من النار إلّا وقد أمرتُكُمْ به وما من شيء يُقَرِّبُكُمْ من النار ويُبعدُكُمْ من الجنّة إلّا وقد نهيتُكُمْ عنه».^(۱)

هیچ عملی نیست که شما را به بهشت و سعادت نزدیک کند مگر این که من شما را به آن امر کردم و هیچ عملی نیست که شما را به آتش دوزخ نزدیک کند مگر اینکه شما را از آن نهی کردم.

۲- حماد از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت می‌فرمود: «ما من شيء إلّا وفيه كتاب أو سنة».^(۲)

هیچ چیزی نیست مگر اینکه در کتاب یا سنت وارد شده است.

۳- ساعه می‌گوید: خدمت امام موسی بن جعفر علیه السلام عرض کردم آیا هر چیزی حکمش در کتاب خدا و سنت پیامبرش آمده و یا شما حکم آن را بیان می‌دارید؟ فرمود: «بل كلّ شيء في كتاب الله و سنة نبيه».^(۳)

شمولیت فقه نسبت به حوزه فرد و اجتماع

قوانین وضعی دنیا معمولاً کاری نسبت به زندگی فردی افراد و رابطه انسان با خودش ندارد و در حریم شخصی و کشش‌های روحی افراد دخالتی نمی‌کند بلکه تنها روابط اجتماعی انسان را رقم می‌زند، گویا انسان، تنها زمانی نیاز به ضوابط و مقررات دارد که با دیگر انسان‌ها ارتباط برقرار کند، در حالی که بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی انسان را ساختار فردی او نشأت می‌گیرد که در خلوت و تنهایی انجام می‌شود.

اسلام و فقه اسلامی هم در حوزه اجتماع و آنچه به مصلحت عامه ارتباط دارد قوانینی را وضع کرده، نظیر جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، قصاص، حدود و دیات و به طور کلی عدالت اجتماعی، و هم در حوزه فرد و زندگی فردی انسان، ضوابطی قرار داده و به رابطه انسان با خودش و خالقش نظام بخشیده است، مثل اینکه برای حفظ عقل او، مشروبات الکلی را تحریم کرده، و برای

(۱) الکافی ۲: ۷۴. مستدرک حاکم ۲: ۴. کنز العمال ۴: ۲۴.

(۲) کافی ۱: ۵۹، حدیث ۴.

(۳) همان: ۶۲، حدیث ۱۰.

سلامت جسم او و خلوص روح و رشد و تقویت اراده او، روزه را واجب ساخته و برای صحت و بقای سلامتی اش اضرار به نفس را حرام کرده است و...

امیر مؤمنان علی علیه السلام آنجا که به تبیین فلسفه بعضی از احکام فقهی می‌پردازد تعدادی از مسائل فقه اجتماعی را در کنار تعدادی از امور فقه فردی قرار می‌دهد و می‌فرماید: «فرض الله... الصلاة تنزيهاً عن الكبر، والزكاة تسبيهاً للرزق، والصيام ابتلاءً لاختلاص الخلق، والحج تقرباً (تقوية) للدين، والجهاد عزاً للاسلام، والأمر بالمعروف مصلحة للعوام، والنهي عن المنكر ردعاً للسفهاء، وصلة الرحم منماة للبدن، والقصاص حقناً للدماء، وإقامة الحدود إعظاماً للمحارم، وترك شرب الخمر تحصيناً للعقل، ومجانبة السرقة إيجاباً للعفة، وترك الزنا تحصيناً للنسب، وترك اللواط تكثيراً للنسل، والشهادات استظهاراً على المجاهدات، وترك الكذب تشريفاً للصدق، والسلام أماناً من المخاوف، والإمامة نظاماً للأمة» (۱).

خداوند... نماز را برای پیراسته شدن از کبر واجب نمود، و زکات را برای جلب روزی، و روزه را برای آزموده شدن اخلاص مردم و حج را برای نزدیک شدن دینداران (یا برای تقویت دین)، و جهاد را برای عزت اسلام، و امر به معروف را برای اصلاح توده مردم، و نهی از منکر را برای بازداشتن فرومایگان، و صلة ارحام و پیوند با خویشاوندان را برای رشد و فراوان شدن آنان، و قصاص را برای محفوظ ماندن خون‌ها، و اجرای حدود را برای بزرگ جلوه نمودن حرام‌ها، و ترک نوشیدن شراب را برای حراست از عقل، و دوری از دزدی را برای اقامت پادشاهی، و ترک زنا را برای حفظ نسب، و ترک لواط را برای فراوان شدن نسل، و شهادت دادن‌ها (بر حقوق) را برای حمایت از حقوق انکار شده، و ترک دروغ را برای گرمی داشت راستی، و سلام را برای ایمنی از خطرات، و امامت را برای نظام بخشیدن به امت.

به هر حال، نگاهی گذرا به موضوعات متفاوت و متنوع فقه اسلامی، جامعیت و شمول آن را نسبت به دو حوزه فرد و اجتماع به اثبات می‌رساند. در حوزه فرد، ابواب و مسائلی چون نماز،

(۱) نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲.

روزه، اعتکاف، مسائل مربوط به نظافت ظاهری و سلامت جسمانی (طهارت و نجاسات، اطعمه و اشربه و...) مشاهده می‌شود. و در حوزهٔ جامعه، مسائل مربوط به روابط اجتماعی انسان و وظایف و حقوق او در برابر دیگران تحت عناوینی چون معاملات، احوال شخصیه (نکاح و طلاق و مانند آن) مجازات‌های جزایی و کیفری (حدود، قصاص و دیات) قضاوت و... به چشم می‌خورد.

اسلام و فقه اسلامی نه از پیوند بین فقه و اخلاق غفلت ورزیده، و نه از پیوند بین فرد و جامعه. اگر بخواهیم جامعهٔ سالمی داشته باشیم باید افراد سالمی داشته باشیم و اساساً آحاد و افراد هستند که جامعهٔ انسانی را تشکیل می‌دهند، و روشن است که برخورداری فرد انسان‌ها از سلامت روحی و اخلاقی نیاز دارد به وضع یک سری از قوانین و مقررات فردی در قالب واجب، حرام، مستحب و مکروه که فقه اسلامی جوابگویی آن است.

آمیختگی «فقه» و «اخلاق»

برتری قابل توجه دیگری که می‌توان برای فقه اسلامی برشمرد آمیختگی آن با اخلاق است. عبادات که باب مهمی از ابواب فقه را تشکیل می‌دهد هدف و غرض اخلاقی دارد مثلاً «نماز» عروج به عالم ملکوت و تقرب به مبدأ هستی است (الصلاة قربان کل تقی)^(۱) و فاصله گرفتن از فحشا و منکرات «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»^(۲) را به دنبال دارد.

و «ربا» که یکی از رذایل اخلاقی به حساب می‌آید در فقه اسلامی از قانون و حکم وضعی خاصی برخوردار است و سبب بطلان عمل عبادی می‌شود و «مکاسب مجنبه» که بخش قابل توجهی از فقه معاملات را شامل می‌شود در دل خود بحث از غیبت و کذب و... و بسیاری از مسائل اخلاقی را جای داده است چرا که هر کدام از این عناوین اخلاقی ممکن است به اجزای برای کسب و درآمد مبدل شود.

و بسیار روشن است که رهایی انسان از نفس‌آماره و طغیان‌ها و سرکشی‌های آن از تصفیهٔ درون

(۱) کافی ۳: ۲۶۵، حدیث ۶.

(۲) سورة عنکبوت: ۴۵.

انسان‌ها از وسوسه‌ها و رشد و تکامل بخشی به نفس آدمی که هر گاه به صلاح گراید مبدأ فضایل اخلاقی، و اگر به فساد گراید مبدأ رذایل اخلاقی است همچنانکه نیازمند به شناسایی این زمینه‌ها و استعدادها و آشنایی با درمان‌ها و پیشگیری‌هاست و علم اخلاق متصدی آن است نیازمند به مجموعه‌ای از مقررات و قوانینی است که فقه به آن می‌پردازد.

مسائل فقه اسلامی به گونه‌ای با مسائل اخلاقی تنیده شده که نمی‌توان کسی را پیدا کرد که متدین و معتبد به واجبات و محرمات دینی باشد ولی آراسته به فضایل اخلاقی و گریزان از رذایل اخلاقی نباشد. این در حالی است که از دادستان دیوان ایالت متحده آمریکا «رابرت هوگوت جکسون» نقل شده که گفته است: «قانون در آمریکا فقط تماس محدودی با اجرای وظایف اخلاقی دارد، در حقیقت یک شخص آمریکایی در همان حال که ممکن است یک فرد مطیع قانون بوده باشد ممکن است از حیث اخلاق یک فرد پست و فاسد باشد».^(۱)

شدیدترین و به حسب ظاهر خشن‌ترین قانون فقهی مثل قصاص، قرین است با یک تذکر اخلاقی که عبارت از «اخوت دینی» است و همراه است با یک توصیه اخلاقی یعنی تشویق به عفو و گذشت. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ... فَمَنْ مَفِي لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَدَاءُ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ رَحْمَةٌ فَمَنْ تَعَدَّى بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابُ أَلِيمٍ».^(۲)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در باره کشتگان، بر شما حق قصاص مقرر شده: آزاد عوض آزاد و بنده عوض بنده و زن عوض زن. و هر کس که از جانب برادر دینی‌اش، یعنی: ولی مقتول، چیزی از حق قصاص به او گذشت شود، باید از گذشت ولی مقتول به طور پس‌نیده پیروی کند، و با رعایت احسان، خونبها را به او بپردازد. این حکم تخفیف و رحمتی از پروردگار شماست پس هر کس، بعد از آن از اندازه درگذرد، وی را عذابی دردناک است.

و در آیه دیگری، عفو و گذشت، به عنوان صدقه‌ای که سبب بخشوده شدن گناهان می‌شود معرفی

(۱) نقل از دائرة المعارف فقه مقارن (مکارم شیرازی) ۱: ۸۰-۸۱.

(۲) سورة بقره: ۱۷۸.

شده «وَكُنْتُمْ عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنْ النَّفْسُ... فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ»^(۱).

و در تورات بر آنان مقرر کردیم که جان در مقابل جان، و چشم در برابر چشم، و بینی در برابر بینی، و گوش در برابر گوش، و دندان در برابر دندان می‌باشد؛ و زخمها نیز به همان ترتیب قصاصی دارند. و هر که از آن قصاص درگذرد، پس آن، کفاره گناهان او خواهد بود. و کسانی که به موجب آنچه خدا نازل کرده داوری نکرده‌اند، آنان خود ستمگرانند.

چنانکه قهر آمرزین مقررآت فقهی، مثل: طلاق نیز با عفو و بخشش که از لطیف‌ترین مسائل اخلاقی است، مترون است «وَإِنْ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَ قَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فِنْصِفْ مَا فَرَضْتُمْ... وَ أَنْ تَقْرَبُوا لِلتَّزْوِجِ لَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»^(۲).

و اگر پیش از آنکه با آنان نزدیکی کنید، طلاقشان گفتید، در حالی که برای آنان مهری معین کرده‌اید، پس نصف آنچه را تعیین شده‌اید به آنان بدهید مگر اینکه آنان خود ببخشند، یا کسی که پیوند نکاح به دست اوست ببخشد؛ و گذشت کردن شما به تقوا نزدیکتر است. و در میان یکدیگر بزرگواری را فراموش نکنید، زیرا خداوند به آنچه انجام می‌دهید بیناست.

فقه و تأکید بر ضمانت اجرا

از برتری‌های فقه و قوانین اسلامی این است که همانند سایر ادیان الهی، ضامن اجرای آن منحصر در دولت و حکومت و قوه قهریه آن نیست، بلکه دو نوع ضمانت اجرای دیگر نیز در آن تصور می‌شود: نخست آحاد مسلمین و همه مؤمنین بر اساس حدیث شریف نبوی: «كَلِمَةُ رَاعٍ وَ كَلِمَةُ مَسْئُولٍ عَنْ رَعِيَّتِهِ»^(۳) مأمور به انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر هستند. و دیگر، باورهای اعتقادی و اخلاقی که شخص عامل از آن برخوردار است، چرا که عمل به قانون برای انسان معتقد، پرتوی از ایمان و اعتقاد است و او به عنوان انجام «وظیفه» و عمل به «تکلیف»

(۱) سورة مائده: ۴۵.

(۲) سورة بقره: ۲۳۷.

(۳) غوالي اللثالي: ۱: ۱۲۹. روضة المتقين ۵: ۵۱۵.

الهی به قانون روی می‌آورد نه به عنوان یک سلسله «مقررات خشک» و خصوصاً با توجه به اعتقاد به فطری بودن احکام دینی و هماهنگی آن با گرایش‌های درونی و وجدانی و آمیختگی آن با جاذبه‌های اخلاقی، غالباً با «طیب خاطر» و رضایت باطنی به سمت آن می‌رود نه با اکراه و تکلف. به تعبیر دیگر: قوانین بشری چون بر پایه ایمان مذهبی و اعتقاد دینی بنا نشده است تنها می‌تواند بر جرائم و مجازات‌های مادی و زندان و امثال آن به عنوان ضمانت اجرا تکیه کند و آنچه از محدوده نظارت دستگاه‌های قضایی و نیروهای انتظامی بیرون است عملاً از قلمرو ضمانت اجرایی آن خارج می‌باشد حال آن‌که در قوانین مذهبی مانند قوانین اسلام هم دائرة نظارت بسیار گسترده است، از حضور خداوند در همه جا گرفته تا مأموران ثبت اعمال که به اعتقاد مذهبیهون همه جا با انسان هستند و ناشرین از اعضای بدن انسان و آنچه افعال انسان در آن اثر می‌گذارد (زمین و زمان و غیر آن) و هم مسأله پاداش‌ها و مجازات‌ها که جنبه مادی و معنوی گسترده‌ای دارد و حتی منحصر به جهانی که در آن زندگی می‌کنیم، نیست.

جالب این‌که در ضمانت اجرای قوانین بشری معمولاً جایی برای پاداش و تشویق نیست جز در موارد استثنایی آن هم نه به صورت الزامی، ولی در ضمانت اجرایی مذهبی به همان اندازه که مجازات‌ها نقش دارد پاداش‌ها نیز دارای نقش است هم در دنیا آن گونه که در آیات ذیل وارد شده:

۱- «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ»^(۱).

و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم، ولی تکذیب کردند؛ پس به کفر دستاوردشان گریبان آن را گرفتیم.

۲- «فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّاراً» * «يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَاراً» * «وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ وَ يُجْعَلَ لَكُم جَنَّاتٍ وَ يُجْعَلَ لَكُم أَنْهَارٌ»^(۲).

و گفتم: از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او همواره آمرزنده است. تا بر شما از آسمان باران

(۱) سورة اعراف: ۹۶.

(۲) سورة نوح: ۱۰-۱۲.

پی در پی فرستد. و شما را به اموال و پسران، یاری کند، و برایتان باغها قرار دهد و نهرها برای شما پدید آورد.

و هم در آخرت، آن گونه که در آیاتی نظیر آیه مبارکه ﴿وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ﴾^(۱) آمده است.

یعنی: و برای نیل به آمرزشی از پروردگار خود، و بهشتی که پهنایش به قدر آسمانها و زمین است و برای پرهیزگاران آماده شده است، بشتابید.

برای توجه به عقد تأثیر اعتقادات مذهبی در اجرای قوانین، کافی است به این نکته توجه شود که طبق روایات اسلامی افرادی از گنه کاران، خود را به دادگاه اسلامی خدمت پیامبر ﷺ یا علی علیه السلام معرفی می کردند و تقاضای اجرای حد شرعی داشتند تا از گناه پاک شوند و از شرمندگی در پیشگاه خدا در آیند، حتی در مواردی که یک بار اقرار کافی نبود با آنکه آنها را به وقت دیگری موکول می کردند و تلویحاً به آنها می فهمانید که اگر مجدداً به دادگاه مراجعه نکنند حدی بر آنها جاری نمی شود و توبه آنها پذیرفته است، در حال حاضر دیگر به دادگاه اسلامی نزد پیامبر یا امام مراجعه می کردند و تقاضای تطهیر از طریق مجازات شرعی داشتند.^(۲)

کاربردی بودن قوانین اسلام

کاربردی بودن یک قانون بدین معناست که در عین دقت و جامعیت، در مقام اجرا دست و پاگیر نباشد و نیروی زیادی را جذب نکند و از تکلفات بروکراسی و تشکیلات طولیل و عریض اداری دور باشد. مثلاً در قوانین قضایی دنیای امروز برای قضاوت و اجرای قوانین، مقررات مزاحم و دست و پاگیری وضع شده که گاه ممکن است یک محاکمه را سالها به تأخیر بکشد. اینگونه مقررات قضایی گرچه به منظور دقت و احقاق حق باشد سبب تضییع بسیاری از حقوق می شود. در حالی که فقه اسلامی با شرایط ویژه ای که برای قاضی در نظر گرفته و حد بالایی از تقوا و عدالت در او شرط

(۱) سورة آل عمران: ۱۳۳.

(۲) رک: کافی ۷: ۱۸۴ و ۱۸۵ باب صفة الرجم و باب آخر منه و همچنین رجوع شود به المجموع فی شرح المهدب تألیف محیی الدین بن نبوی ۲۰: ۴۷ و ۴۸ و همچنین صحیح مسلم ۵: ۱۱۷ و ۱۱۹ کتاب الحدود.

کرده، دادگاه را از بسیاری از تشریفات و مقررات دست و پاگیر، بی نیاز کرده است شرایطی نظیر عدالت و اجتهاد، یعنی صلاحیت‌های بالای اخلاقی و علمی قاضی، احتمال انحراف او را از حق و عدالت به مقدار زیادی کاهش می‌دهد.

سافه بر این در قوانین اسلامی چون تکیه بر عقاید مذهبی افراد می‌شود تأثیر قابل ملاحظه‌ای در کاهش تشریفات دارد، مثلاً افراد معتقد، به آسانی حاضر نیستند در دادگاه قسم دروغ بخورند در حالی که در قوانین بشری که تکیه بر فرهنگ‌های دینی ندارد، ممکن است کسانی بدون هیچ دغدغه‌ای سوگندهای دروغ یاد کنند.

امروز برآمده خاصی را بعضی از کشورهای اسلامی مانند ایران تجربه می‌کنند و آن این که در کنار دادگاه‌ها، «سوراهای حل اختلاف» بوجود آورده‌اند که قسمت مهمی از پرونده‌های دادگاه‌ها را کم کرده است و این سورها با استفاده از اعتقادات مذهبی و دعوت به عفو و گذشت و پاداش‌های الهی، از حجم پرونده‌های دادگاه‌ها کاسته‌اند و به این ترتیب، سهولت زیادی در امر قضا پیدا شده است.

پیوند فقه با واقعیت‌های زندگی انسان

احکام فقهی اسلام، احکامی است حکیمانه و عادلانه که پیوند عمیق و ناگسستنی با عینیت‌ها و واقعیت‌های زندگی انسان دارد، و در ابعاد مختلف با تمام نیازهای بنفیدی، علمی، اخلاقی، اجتماعی، تجاری، زراعی، حقوقی، سیاسی، کیفری و .. ارتباط و انطباق دارد، و تمام تحولات و دگرگونی‌های مختلف زندگی بشر را در بر می‌گیرد و به راحتی آن‌ها را هضم می‌کند؛ زیرا فقه یعنی: آشنایی با احکام الهی و فرائض دینی برای تعیین وظیفه شرعی مردم در زندگی مادی و معنوی آنان. و چنین آشنایی و علمی نمی‌تواند عینیت داشته باشد، مگر آن که همپای پیشرفت جامعه در حرکت باشد و در هر زمان، نیاز جامعه را درک کند، و با بینش و دانش حکم آن را از متون اصلی اسلام استنباط نماید. و این همان حقیقتی است که تنها از طریق اجتهاد مداوم تحقق خواهد یافت.^(۱)

(۱) ر.ک: ادوار فقه و کیفیت بیان آن: ۱۰۹.

ادوار فقه

فقه اسلامی از آغاز پیدایش خود در مدینه منوره، پیشرفت‌های فراوانی کرده و دوره‌های متعددی را پشت سر نهاده است، این مراحل و دوره‌ها را می‌توان بدین ترتیب بیان کرد:

۱- مرحله تشریع

این مرحله از نخستین روز بعثت پیامبر ﷺ در سن چهل سالگی آغاز می‌شود و تا روز وفات حضرتش به سال ۱۱ هجری ادامه می‌یابد. بنابراین، مرحله تشریع مدت بیست و سه سال به طول می‌انجامد. زیرا پیامبر ﷺ پس از بعثت نزدیک ۱۳ سال در مکه می‌ماند، آنگاه به مدینه هجرت می‌کند و در روز دوشنبه ۱۲ ربیع الاول پس از سه روز وارد مدینه می‌شود. از آن پس پیامبر حدود ده سال در مدینه اقامت می‌کنند، و به تاریخ دوشنبه ۲۸ صفر المظفر سال ۱۱ هجری، دعوت حق را لبیک می‌گوید. و با رحلتش دوره تشریع پایان می‌پذیرد.

۲- مرحله تبیین و تدوین

بنا به عقیده شیعه امامیه، این دوره پس از زمان تشریع آغاز شده^(۱) و تا پایان ایام غیبت صغری و مقداری از زمان غیبت کبری حضرت صاحب الزمان امام مهدی (عجل الله فرجه) به سال ۳۲۸ هجری، ادامه یافته است. دانشمندان فرزانه‌ای نظیر علی بن حسین بن بابویه (پدر بزرگوار شیخ صدوق) م ۳۲۸ هجری، شیخ کلینی م ۳۲۸ هجری و ابن قولویه م ۳۶۱ هجری از استوانه‌های علمی این مرحله به شمار می‌آیند.

۳- مرحله دسته بندی و تبویب

این دوره از روز غیبت کبری امام منتظر «عجل الله فرجه الشریف» در سال ۳۲۸ هجری، آغاز شده و تا وفات فقیه بزرگوار و پیشوای عالی قدر دینی، شیخ مفید (قدس سره) به سال ۴۱۳ هجری،

(۱) البته امیر المؤمنین علیه السلام و برخی دیگر از اصحاب، به دستور پیامبر ﷺ تدوین را در زمان حیات حضرت شروع کرده بودند.

یعنی بیش از هفتاد سال ادامه یافته است.

شخصیت‌های علمی دوره سوم

الف - یکی از استوانه‌های علمی این مرحله، عالم بزرگ شیعی و احیاگر شریعت محمدی، ابو عبد الله محمد بن محمد بن نعمان، معروف به شیخ مفید «قدس سره» (۳۳۸ - ۴۱۳ ه ق) است. او بزرگترین پیشوای مذهبی زمان خود محسوب می‌شد، و در نقل حدیث موثق‌ترین افراد عصر خویش به شمار می‌رفت، و هیچ کس به اندازه او با فقه ائمه (علیهم السلام) آشنایی نداشت، و همه متأخرانش از وی بهره بردند.

شیخ موسی در کتاب «فهرست» می‌گوید: «شیخ مفید فقهی بود که در فهم و درک مسائل فقهی بسی پیش رفته بود. وی نزدیک به دویست جلد کتاب کوچک و بزرگ تألیف کرده است که از میان تألیفاتش در زمینه فقه می‌توان دو کتاب «المقنعه» و «الارکان» را نام برد.

ب - اندیشمند فرزانه و عالم بزرگ تشیع ابن ابی عقیل، ابو محمد حسن بن علی نعمانی حذاء، معاصر کلینی (م ۳۲۸ هجری)، و علی بن بابویه در شیخ صدوق (م ۳۲۸ هجری) و ابن قولویه (م ۳۶۸ هجری) وی نخستین فردی است که در این دوره با کوشش بسیار فقه شیعه را در همه ابعاد و جوانب مورد تهذیب قرار داده است و به تحقیق در علوم منقول شرعی پرداخته است. به همین دلیل در کتب فقهی از او و «ابن جنید» تعبیر به «قدیمین» می‌شود، زیرا این دو تن در تهذیب اجتهادی مسائل فقه از قدمت و سابقه بیشتری نسبت به دیگران برخوردارند، و ابن ابی عقیل اولین کسی است که اجتهاد را به صورت علمی مطرح کرده است.

البته ذکر این نکته لازم است که ابن ابی عقیل دارای سابقه‌ای بیش از ابن جنید است، چون صدوق و مفید او را درک نکرده و از او روایت نکرده‌اند، ولی شیخ مفید از ابن جنید روایت کرده است. با این که این شیخ بزرگوار را در همه رشته‌های اسلامی تألیفات و تصنیفات بسیاری است، اما شهرت و آوازه بیشتر او در فقه و طرح مسائل فرعی آن است. او وقتی کتاب «التمسک بحمل ال الرسول» را در زمینه فقه به رشته تحریر در آورد پیشاهنگ همه کسانی شمرده شد که در این رشته قلم زده‌اند. «نجاشی» این کتاب او را در شمار کتب مشهور و معروف طایفه شیعه نام برده است.

ابن ابی عقیل اولین کسی است که در مسأله آب قلیل قائل به عدم انفعال آن شده است، و در این بحث، جمعی از فقهای معاصر، نظیر میر معز الدین محمد صدر اصفهانی، و مرحوم محدث کاشانی از او پیروی کرده‌اند، و شارح کتاب «دروس» بدین نظریه اظهار تمایل کرده است، چنانچه مؤلف «ریاض» رساله‌ای در تأیید این رأی نگاشته است.

ج. ابن جنید، ابو علی محمد بن احمد کاتب اسکافی (م ۳۸۱ هجری) معاصر علی بن حسین ابن بابویه و مرحوم کلینی و حسین بن روح سومین نایب خاص امام عصر «عجل الله فرجه» - بنابر قول بحر العلوم - ابن جنید نیز مانند ابن ابی عقیل، همه تلاش و کوشش خود را مصروف کرد تا مسائل فقه را بر اساس قواعد و اجتهاد تهذیب کند، و پس از ابن ابی عقیل نخستین فردی بود که فقه و اجتهاد را به صورت علمی مورد تدوین قرار داد.

وی کتب زیادی در مسائل فقهی و احکام دینی نگاشته است، و در کتابهای خود تا آنجا که توانسته احکام را تهذیب نموده و مسائل فقه را دسته بندی کرده و ابواب گوناگونی را گشوده است. او یک بررسی کامل انجام داده و همه مسائل یکسال را در یک باب جمع کرده است. فروعی را که فقها متعرض آن شده‌اند آورده و اگر مسأله ظاهر و روشن بوده تنها به ذکر فتوا بسنده کرده است، ولی اگر با مسأله‌ای پیچیده و مشکل رو به رو گشته، به علت و مدرک آن اشاره نموده است، و در صورتی که فقها در پیرامون آن اقوال و نظراتی داشته‌اند همه را نقل کرده و استدلالهای آنها را آورده است، و در میان آنها با ذکر علت اقوال صحیح، واضح، قوی و اقوی و ظاهر و اظهر را بر شمرده است.

از میان کتاب‌های فقهی او می‌توان به دو کتاب «تهذیب الشیعه» و «احکام الشریعة» و نیز «المختصر الاحمدی للفقہ المحمدي» اشاره کرد. از قول ابو جعفر ابن معد موسوی - متأخر از شیخ طوسی (قدس سره) - نقل شده است که: «او بر کتاب فقهی ابن جنید دست یافته و گفته است که در میان طایفه شیعه کتابی بهتر و رساتر و خوش بیان‌تر و دل‌نشین‌تر از آن ندیده است، فروع و اصول را به طور مستوفی بحث کرده، و مسائل مورد اختلاف را متذکر شده، و استدلال‌های شیعه و مخالفین را آورده است.» کتاب «الاحمدی» در زمان مرحوم علامه حلی رواج داشته و از کتب درسی فقهی بوده است. از آنجا که ابن جنید مانند ابن ابی عقیل به قیاس و رأی رو آورد و آن را در استنباط احکام شرعی

حجیت داد، اینک کتاب‌هایش متروک شده و نامش چندان مطرح نیست.

د- از سر شناسان متأخر دوره سوم، سید شریف مرتضی (۳۵۵ - ۴۳۶ هجری) شاگرد شیخ مفید و مؤلف کتاب «الانتصار» و «ناصریات» است. سید در بحث‌های فقهی شیوه خاصی داشت، نه مانند ابن ابی عقیل و ابن جنید بود که غالباً بر قواعد و اجتهاد و تفریع مسائل تکیه داشتند، و نه نظیر شیخ مفید بود که بیشتر بر اخبار و روایات اعتماد می‌کرد.

سید در زمان خود عهده‌دار ریاست دینی و دنیوی امامیه بود، و هیچ‌یک از فقها مانند او از بسط ید و اقتدار و امکانات فراوان در جهت احیای آن چه از مذهب به فراموشی سپرده شده بود بهره‌مند نبودند، او در تمامی علوم اسلامی، بویژه کلام و فقه و حدیث دارای کرسی استادی بود و جمع بسیاری از بزرگان شیعه و فقهای دانشمند نزد او آموزش دیده‌اند. او در بسیاری از علوم دارای تالیف است، و چنانچه مذکور است از کراماتی نیز برخوردار بوده است.

۴- مرحله گسترش مسائل فقه از راه تفریع و تطبیق از راه اجتهاد

این دوره از زمان مجتهد گرانمایه شیخ الطائفه محمد بن حسن طوسی «قدس سره» (۳۸۵ - ۴۶۰ هجری) شروع شده، و به مدت بیش از یک صد سال تا زمان فقیه نواندیش ابن ادریس مؤلف کتاب «السرائر الحاوی» (متولد سال ۵۵۵ یا ۵۵۸ هجری و متوفای روز جمعه ۱۸ شوال ۵۹۸) ادامه یافته است.

در این مرحله، فقه اسلامی به طور باشکوهی گسترش یافته، و فروع جدیدی از راه تفریع و تطبیق به وسیله اجتهاد در فقه وارد شده است، زیرا در این زمان پایه‌های اجتهادی فقه استوار شده بود، و با استفاده از تجربیات مراحل پیشین فروع فقهی به اصول بازگشت داده می‌شد و قواعد کلی بر مصادیق خارجی منطبق می‌گشت، لذا در این میان مسائل و فروع جدیدی ظهور کرده و ابواب تازه‌ای مطرح شده است.

فقه‌های این دوره در بحث‌های فقهی و احکام دینی تنها به بیان اصول و کلیاتی از روایات بسنده نکرده‌اند، بلکه به ذکر فروع و مصادیق و تفصیلی که از آن ادله استفاده می‌شود نیز اهتمام نموده‌اند، لذا مسائل تازه‌ای که تا آن زمان مورد بحث نبوده و سابقه نداشته است در فقه وارد شده و ادله آن

مورد بررسی قرار گرفته است.

طلایه‌دار علمای این مرحله و پرچمدار این شیوه فقهی، شیخ طوسی (قدس سره) است که کتب بسیاری در بحثهای فقهی تألیف و به طور بی‌سابقه‌ای در همه آنها ویژگی مذکور را رعایت کرده است.

یکی از کتاب‌هایش، «المبسوط فی فقه الامامیه» است که مرحوم شیخ در آن به صورت مشروح و مبسوطی اصول همه مسائل و برداشت‌های خود از احادیث را ذکر می‌کند و به ذکر فروع مسائل می‌پردازد. برای آن اهل می‌گشاید، مسائل را به چند بخش تقسیم می‌کند و مسائل هماهنگ را در یک جا می‌آورد و فروع هر مسأله را به طور مستوفی مورد بررسی قرار می‌دهد، به ادله هر مسأله اشاره می‌کند و آن را به طور نسبی تنقیح می‌نماید.

دیگر کتاب «الخلاص» است که به شیوه کتاب‌های دیگرش نگارش یافته، ولی این مزیت را دارد که فروع و مسائلی را که در باره آن میان شیعه، حنفیه، شافعیه، مالکیه و حنبلیه اختلاف شده است مورد مواظبت قرار می‌دهد و نظریه خود را طبق مذهب شیعه امامیه با ذکر دلیل بیان می‌کند.

۵- دوره استدلال

این دوره از زمان مرحوم ابن ادریس حلی (۵۵۵/۵۵۸ - ۵۹۸ هجری) شروع می‌شود، و تا زمان مرحوم محقق حلی (م ۶۸۰/۶۷۶ هجری) مؤلف کتاب «شرایع الاسلام فی احکام الحلال والحرام» ادامه می‌یابد. و در مجموع بیش از یک صد سال به طول انجامید.

شیوه علمی فقها در این دوره، همان روش ابن ادریس بود و همه آن را مورد قبول قرار داده و پذیرفتند. با پیروی از این روش، فقه از جهت استدلال در بحث و فروع علمی رشد چشمگیری یافت، و فقها در برخورد با مسائلی که حکم آن از احکام ضروری و قطعی نبود سعی می‌کردند که مسائل شرعی و فروع فقهی را همراه استدلال‌های محکم عرضه کنند. بدین صورت که مسائلی را ذکر می‌کردند، سپس به طرح دلیل و استناد آن می‌پرداختند. و اگر مسأله اختلافی بود، اقوال و مدارک مختلف را می‌آوردند. و با ذکر دلیل، یکی از آن نظریات را ترجیح می‌دادند، و اگر اقوال پیرامون مسأله متعارض بود، و دلیلی بر ترجیح یک طرف در میان نبود، یا حکم به تأخیر می‌کردند و یا حکم

به توقف.

در طلیعه علمای این دوره، بلکه پیشوای این طرز تفکر، فقیه نوپرداز مرحوم ابن ادریس است که فقه را حیات تازه‌ای بخشید، و به گونه بی‌سابقه‌ای در فروع فقهی به بحث استدلالی پرداخت. و بسیاری از متأخرانش از وی تبعیت کردند. او کتابهای فقهی زیادی بر اساس شیوه خود تألیف کرد، از آن جمله کتاب «سرائر» است، که همه ابواب فقه را در بر دارد، و سرشار است از نکته سنجیهای دقیق در استنباط مسائل شرعی از ادله چهارگانه کتاب، سنت، اجماع و عقل.

لازم به توضیح است که ابن ادریس نخستین کسی بود که باب اعتراض بر شیخ طوسی را گشوده است، او خود در این کلامه از اهل زمان در کتاب مذکور، شیوه بحث خود را مطرح می‌کند و می‌گوید: به نظر من این کتاب بهترین تألیفی است که در این فن صورت پذیرفته است، و این روش رساترین شیوه در بیان و گویا بین راه از جهت طرح بحث و ارائه دلیل می‌باشد که در آن هرگز راهی برای روایات و اخبار ضعیف نیست. من در این کتاب تحقیق خود را بر پایه سبکی تازه بنا نهادم، چه، کشف احکام تنها به یکی از راه‌های ذیل ممکن است: یا از راه کتاب خدا، یا سنت متواتر پیامبر، یا اجماع و اتفاق علما، و یا دلیل عقل. در صورتی که از سه راه اول امکان دسترسی به حکم شرعی نبود، آن‌گاه محققین دینی در مسائل شرعی به دلیل عقل تمسک می‌کنند، و از آن راه به همه احکام شرعی و مسائل فقهی آگاهی می‌یابند. پس باید بدان اعتماد و تکیه کرد، و هر کس حجیت آن را انکار کند به گمراهی رفته و راه در تاریکی پیموده و گفتاری بیرون از محدوده به زبان آورده است.

به هر حال با ظهور ابن ادریس دوره تمسک مطلق به نصوص روایات به سرآمد و همان طوری که از کلام وی روشن شد، او فقها را به استناد به دلیل عقلی نیز فراخواند و همواره که دروازه‌های استدلال را به روی بحث‌های فقهی گشود.

۶- مرحله گسترش استدلال و تنقیح

این دوره از زمان علامه حلی (۶۴۸ - ۷۲۶ هجری) شروع می‌شود و تا زمان علامه دهر و محدث بزرگ وحید بهبهانی (م ۱۲۰۵ هجری) ادامه می‌یابد. این دوره آکنده از بحث‌های استدلالی گسترده، و نقد و تحلیل‌های تازه‌ای در نظریات فقهاست. گرچه در این مرحله نقض و ابرام در آرای فقها

رواج داشت، لیکن تنها بدان بسنده نشد، بلکه فقها هم چون گذشته اخبار و روایات را نیز مورد مطالعه قرار می‌دادند که آیا از نظر سند و دلالت بر مقصود درست است یا نه؟ و یا اصحاب بدان عمل کرده‌اند یا خیر؟ بنا بر این سبکهای جدیدی در چگونگی استخراج و استنباط احکام شرعی پدید آمد. و این چنین بود که در اواخر این دوره، فقه اسلامی با پیشرفت و ترقی چشمگیری رو به رو شد. این تکامل و تطور مرهون تلاش بی‌وقفه فقها در بررسی کتب گذشته و تنقیح اصول و مبانی آنان و بیان مدارک ایشان است، کتابهایی که هم اکنون نیز مورد مراجعه و مطالعه فقها است.

شخصیتهای علمی این دوره

الف - مرحوم علامه حلی (قدس سره) که پیشوای این روش است، چه او بود که به تلاش و کوشش در بحث و گردآوری و احوال و مقارنه میان آنها و تحقیق و توسعه در استدلال پرداخت، و در بحثهای فقهی کتب بر نظری را با مزیای فوق به رشته تحریر در آورد، که از جمله کتاب «قواعد» در فروع فقهی است، که در علم تفریع در میان همه تصانیف اسلامی بی نظیر است. کتاب دیگرش «تذکره الفقهاء» است، که در مسائل اختلافی نگاشته شده، و از جهت گستردگی و مقارنه میان آراء و تکامل بخشیدن به شیوههای طرح بحث تا این زمان نیز همتایی ندارد. کتابهای فقهی دیگرش «تحریر الاحکام»، «نهایة الاحکام» و «منتهی المطالب» و «تذکره الفقهاء» است، که همگی مشتمل بر بحثهای فقهی همراه با استدلالهای فراوان است.

ب - فرزند ایشان، فخر المحققین (۶۸۲ - ۷۷۱ هجری) مؤلف کتاب فقهی «ایضاح الفوائد فی شرح القواعد». او نیز هم چون پدرش در توسعه بخشیدن و تفریع و تفصیل در مسائل فقهی و تطبیق قواعد کلی بر مصداقهای عینی تلاش پیگیری کرد.

ج - شهید اول جمال الدین محمد بن مکی (۷۳۴ - ۷۸۶ هجری) مؤلف کتابهای «ذکر الشیعه» و «دروس» و .. او نیز در کتابهای فقهی خود مسائل اصلی فقه را به گونه استدلالی وسیعی مورد بحث قرار داده است.

د - محقق ثانی، نور الدین علی بن عبد العالی کرکی (م. ۹۴۰ هجری) مؤلف کتاب «جامع المقاصد» در شرح قواعد علامه حلی. او علاوه بر این، کتابهای دیگری نیز تألیف کرده که در آنها مسائل فقهی

را به طور وسیعی مطرح کرده، و نظرات ابتکاری مهمی ارائه داده است.

ه - شیخ علی بن عبد العالی میسی (م ۹۳۸ هجری) صاحب «شرح جعفریه» و «شرح رساله صبیغ العقود والایقاعات».

و - شهید ثانی، زین الدین جبعی (۹۱۱ - ۹۶۵ هجری) مؤلف کتاب «مسالک الافهام فی شرح شرایع الاسلام». شهید در تألیفات خود همه تلاش را مبذول داشته تا مسائل فقهی را به طور وسیع و استدلالی مبسوطی مورد بحث قرار دهد، و به همین شیوه اصول کلی را در مسائل فرعی پیاده کرده است.

ز - علامه شیخ حسین عبد الصمد، پدر شیخ بهائی و مؤلف شرح قواعد علامه و حاشیه ارشاد (۹۱۸ - ۱۸۴ هجری) معتقد بود که در زمان غیبت کبرای امام عصر (عجل الله فرجه) نماز جمعه وجوب عینی دارد.

ح - سید محمد عاملی (م ۱۰۰۹ هجری) مؤلف کتاب «مدارک الاحکام» در شرح شرایع الاسلام.

۷- مرحله رشد و تکامل فقه

این دوره از عصر علامه و استاد بزرگ و مجدد قرن سیزدهم مرحوم آقا محمد باقر بن محمد وحید بهبهانی (۶/ ۱۱۱۷ - ۸/ ۱۲۰۵ هجری) شروع شده و تا زمان شیخ اعظم و دانشمند گرانمایه شیخ مرتضی انصاری دزفولی (م ۱۲۸۱ هجری) ادامه می‌یابد.

جهان اسلام در طول این چند سال شاهد جنبش فقهی تکامل یافته‌ای بود، که مسائل گوناگون فقهی در همه ابعاد مطرح می‌شد، و از آنجا که فقهای این دوره به والاترین مرتبه بحث و نظر و استدلال و تحقیق کامل دست یافته بودند، فقه شیعه را به اوج شکوفایی خود رساندند. علت هم این بود که أولاً فقها مسائل موجود و فروع آن را به نحو احسن مورد نقد و تحلیل قرار داده بودند، و ثانیاً در هر مسأله ادله اجتهادی آن اعم از کتاب و سنت را مورد نظر داشتند، و از این رو احوال فقهی پیشین را ملاحظه می‌کردند و مورد نقض و ایراد قرار می‌دادند.

همه محاسنی که دوره‌های پیشین فقه از آن بهره داشتند، در این دوره جمع آمده بود و این مرحله تأثیر عمیقی در پیشرفت فقه اسلامی داشت به طوری که دانش‌پژوهان هنوز هم بحثهای فقهی این

دوره را مورد مطالعه قرار می‌دهند و از تحقیقات آن بهره می‌برند و از آراء و اندیشه‌های مطرح شده در این مرحله استفاده می‌کنند و کتابهایش را در مراتب بالای علمی ارج می‌نهند.

رجال علمی این دوره

الف - وحید بهبهانی، که در صدر رجال این دوره است؛ چرا که محور اصلی این جهش فکری بود و آراء و افکار ژرفی ارائه داد. همو بود که در اصول شناخت راویان اخبار نظریه جدیدی ابراز کرد و آن را از روش تقلیدی دیرینه‌اش به اسلوب تحقیقی آزادانه‌ای سوق داد، و بدین وسیله بسیاری از احادیثی را که اساس مسائل فقهی در ابواب مختلف بودند تصحیح کرد.

ب - فقه بزرگ سید علی طباطبایی (۱۱۶۱ - ۱۲۳۱ هجری) خواهر زاده مرحوم وحید، و مؤلف کتاب «ریاض المسائل فی بیان احکام الشرع بالدلائل». این کتاب نخستین مجموعه فقهی است که یک دوره کامل فقه استدلالی از ابتدای کتاب «طهارت» تا آخر کتاب «دیات» را در بردارد، و در آن مسائل فقهی را به طور کامل مورد بحث قرار داده و در ترتیب و تنظیم ابواب آن ابتکاری نوین به کار برده و آراء و نظرات بی‌سابقه‌ای ارائه نموده است.

ج - ملا ابو القاسم معروف به میررای قمی (م/ ۱۲۲۷ - ۱۲۳۱ هجری) مؤلف کتاب «قوانین». کتابش دریای ژرف و بی‌کرانه از علم و دانش است، و خودش شیر پر خروش بیشه تحقیق که مبانی اصول فقه را به گونه چشمگیری پایدار ساخته است.

د - علامه سید مهدی بحر العلوم (۱۱۵۵ - ۱۲۱۲ هجری) صاحب حاشیه بر وافیة. ه - شیخ جعفر کاشف الغطاء (۱۱۵۶ - ۱۲۲۸ هجری) مؤلف کتاب «کف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء».

این شیخ بزرگوار در کتاب خود اساس اجتهاد و استنباط را برای نسل‌های آینده به ودیعت نهاده است. مرحوم شیخ انصاری در باره او چنین گفته: «اگر فردی قواعد اصولی را که شیخ در کشف الغطاء مطرح ساخته به اتقان بداند از نظر من مجتهد است».

و - شریف العلمای مازندرانی (م ۱۲۴۵ هجری)، این دانشمند بزرگ گو این که با همه علم سرشار و احاطه بسیار بر فقه از خود کتابی یادگار نگذاشته ولی بیش از یک هزار مجتهد در فقه و اصول از

حوزه درس او بیرون آمده‌اند. او تنها یک کتاب مختصر در علم اصول دارد که در مورد مسأله «دستور آمر با علم به انتفاء شرط» بحث کرده است.

ز - مرحوم سید محسن اعرجی (م ۱۲۲۷) صاحب دو شرح بر وافیة.

ح - سید حواد عاملی صاحب کتاب «فتاح الکرامة».

ط - سید محمد مجاهد، فرزند صاحب ریاض (م ۱۲۴۲ هجری) مؤلف کتاب فقهی «مناهل». مناهل کتابی است با ارزش و سودمند و همه ادله و اقوال در آن آمده و حاوی فروع و مسائل گوناگون است. در مورد آن گفته شده که بهترین کتاب فقهی است.

آیه الله ملا محمد نراقی کاشانی (م ۱۲۰۹ هجری) مؤلف «معتمد الشیعة فی احکام الشریعة» و «لوامع» در فقه.

ی - ملا احمد نراقی (۱۱۸۵ - ۱۲۴۵ هجری) صاحب کتاب «مستند الشیعة فی احکام الشریعة»، این کتاب نشانگر تبحر بیش از حد و تسلط فوق العاده او در بحثهای فقهی است.

س - شیخ محمد حسن نجفی، (۱۱۹۳ - ۱۲۶۶ هجری) مؤلف کتاب «جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام». جواهر مجموعه گسترده‌ای است که تاریخ تدوین فقه در گستردگی و شمول و تحقیق و قدرت استدلال نظیر آن را یاد ندارد.

یکی از ویژگیهای این دوره این بود که تعداد بسیاری از فقها در این سنین می‌زیستند و همگی از شاگردان مرحوم وحید بهبهانی بوده‌اند. اینان رأیت تحقیق و توسعه در بحث و استدلال را با سبکی نوین و شیوه‌ای تکامل یافته افراشتند، و در نوشتجات خود مطالبی را به عنوان اصول پایه اجتهاد و استنباط برای نسلهای آتی به ودیعت سپردند. و بدون تردید خدمتی که ایشان در این دوره ارائه کردند بسیار مهم و ارزنده بود، زیرا آنها اساس تکامل فقه را برای دوره‌های آینده بنیان نهادند و دیگران از آن بهره فراوانی بردند.

۸- مرحله تدقیق در ابحاث فقهی

این مرحله از زمان شیخ الفقهاء و امام المدققین شیخ انصاری دزفولی قدس سره (۱۲۱۴ - ۱۲۸۱

هجری) شروع می‌شود و به زمان معلم بزرگوار آخوند ملا محمد کاظم خراسانی (۱۲۵۵ - ۱۳۲۹

هجری) خاتمه می‌یابد.

این دوره از ادوار فقه شاهد حرکت فقهی دقیق و مهمی بود و بحث‌های فقهی به اوج گستردگی خود رسید. فقیه در این دوره واجد بالاترین مرتبه دقت نظر در بحث بود.

بنابراین فقه از جهت دقت در استدلال به صورت نمایانی تطور یافت.

سرآمد این دوره و آغازگر این روش مرحوم شیخ انصاری است که در بحث‌های فقهی روحی تازه دمید و آرای دقیق و کاملی را ارائه کرد و در این سبک کاروان سالار دیگر محققان شد. کتاب فقهی او «مکاسب»، گواه زنده‌ای بر طرز فکر او است که سرشار از نظرات ژرف‌بینانه و مطالب ارزنده است. او در «مکاسب» و دیگر کتابهای خود شیوه نوینی را در استدلال احکام دینی و مسائل شرعی به کار بسته است که ویژه او است و با روش هیچ یک از اسلاف وی سازگار نیست.

رجال عصر شیخ انصاری

این حرکت و جنبش فقهی که از اندیشه ناب شیخ تراویده بود به رشد فزاینده خود ادامه داد و در این راستا نایب‌های اندیشمندی به صحنه آمدند که از جمله عبارتند از:

الف - امام مجدد میرزا محمد حسن شیرازی (متوفی ۱۲۱۲ هجری).

ب - آخوند ملا محمد کاظم خراسانی (متوفی ۱۲۲۹ هجری)

ج - سید محمد کاظم یزدی (متوفی ۱۲۳۷ هجری)

د - مولی فتح الله معروف به شیخ الشریعة اصفهانی (م ۱۲۳۹ هجری).

ه - شیخ عبد الکریم حائری، مؤسس حوزه علمیه قم (متوفی ۱۲۵۵ هجری)

و - میرزا محمد تقی شیرازی (متوفی ۱۲۳۸ هجری) و فقهای دیگری که محور تحقیق و دقت نظر در مبانی فقهی و اصول استنباط به شمار می‌روند.

۹- دوره تلخیص مباحث فقهی

این مرحله از زمان مرحوم آخوند ملا محمد کاظم خراسانی «قدس سره» (۱۲۵۵ - ۱۳۲۹ هجری) شروع شده و تاکنون ادامه دارد. این مرحله از جهت تلخیص در بحث‌های فقهی شاهد سبکی نوین و شیوه‌ای بدیع است و شکوفایی بسیاری دارد.

فقها در این دوره کتب فقهی را تلخیص کرده و مطالب ناب آن را بیرون کشیده و به تحقیقات

شگفت انگیز خود می‌آریند و به جامعه ارائه می‌دهند.

رجال بزرگ این مرحله عبارتند از:

الف - آخوند خراسانی، که پیشرو این سبک است و در تحقیق مبانی فقهی بر پایه‌هایی متین و عباراتی کوتاه و شیوا کوشش کرده و در کتاب‌های خود میان ژرف نگری در استدلال و توسعه در تحقیق و ایجاز در عبارت جمع کرده است. و بدین ترتیب فقه را حیاتی تازه بخشیده است. او کتاب «المعات النيرة فی شرح تکملة التبصرة» را تألیف نموده که در سراسر آن احکام شریعت را با بهترین و زیبارین دسته بندی و تنظیم مطرح ساخته است، ولی مع الاسف اجل او را مهلت نداده تا کتاب فقهی خود را به پایان برساند و تنها تا مسأله «مکان مصلی» تحریر کرده است.

دیگر از کتاب‌هایش «نواشیه‌ای بر دو بخش بیع و خيارات کتاب مکاسب شیخ انصاری که در آن امهات مسائل فقهی را با بیانی کوتاه و دقت نظری ژرف ارائه داده است.

زندگی این شیخ بزرگوار نقطه عطف مهمی در تحول بحث‌های فقهی و اصولی به این شیوه شمرده می‌شود، و در کنار همه اینها آرا و نظرات تازه‌ای را نیز مطرح کرده است که تا کنون در فقه و اصول مورد نظر فقهاست، و در طول سالها هر گوار اهمیت آن کاسته نشده است. این شیخ ارجمند در مجلس درس از قدرت بخصوصی برخوردار بود و با مهارت فراوان اصول فقه را در فرعها و شاخه‌های مختلفش پیاده می‌کرد و قواعد کلی را بر مصادیق تطبیق می‌کرد. او در کرسی تدریس هم چون شیر نستوهی جولان می‌داد و با تلاش خستگی‌ناپذیر خود بیش از یک هزار مجتهد را در فقه و اصول تربیت کرد.

ب - سید محمد کاظم یزدی قدس سره (م ۱۳۳۷ هجری)، که با بیانی رسا و گفتاری دل‌نشین به تنقیح و تحقیق در مبانی فقهی دست یازیده، و کتابی در شرح مکاسب تألیف کرد و آرای دقیق و نظرات موشکافانه خود را در قالب عباراتی کوتاه بیان داشته است، که فقها هنوز به آرای او با دیده تحسین می‌نگرند.

ج - از علمای دیگر این مرحله آقا ضیاء الدین عراقی (م ۱۳۶۱ هجری) است که به سهم خود مبانی فقهی را با همین شیوه تحقیق و تلخیص کرده و در این میدان بسیار موفق بوده است. او کتاب «شرح تبصرة المتعلمین» را تألیف کرد، و هم چون مرحوم آخوند و محقق یزدی تحقیقات و استدلالات

عمیق خود را در عباراتی فشرده بیان نمود.

د - شیخ محمد حسین اصفهانی (۱۲۹۶ - ۱۳۶۱ هجری)، که مبانی فقه را بر اساسی محکم و استوار استحکام بخشید و با جملاتی کوتاه تحقیقات ژرف و گسترده خود را بیان داشت. او از جمله کتاب‌های «اجاره» و «حاشیه بر مکاسب» را که مشتمل بر تحقیق و دقت نظر و قدرت استقلال و تلخیص است، به رشته تحریر در آورد، و از زیاد گویی و اختصار بیش از اندازه دوری جست.

ه - از پیروان دیگر این سبک، مرجع بزرگ سید محسن حکیم (۱۳۰۶ - ۱۳۹۰ هجری) مؤلف کتاب «مستمسک العروة الوثقی» است.

مستمسک کتاب فقهی ارزشمندی است که از جهت ترتیب و تنظیم و دقت و قدرت استدلال و تلخیص مسائل فقهی در این دوره بی‌نظیر است، و نخستین کتابی است که به این شکل کامل به جامعه علمی عرضه شده است و مرحوم حکیم با تألیف این کتاب به مقام پیشاهنگی کاروان محققین این دوره نایل آمده است، زیرا هر تحقیقی که پیرامون کتاب «عروة الوثقی» صورت پذیرد مرجع اصلی‌اش کتاب «مستمسک» است زیرا این کتاب را برای دیگران هموار کرده است.

از این رو این کتاب مورد شگفتی علمای این دوره واقع شد، و مطالب آن مورد عنایت محققین و مدرسین قرار گرفت و با استقبال شایانی که از آن به عمل آمد تا کنون پنج مرتبه به چاپ رسیده است.

و کاروان فقاہت در مذهب امامیه این چنین در راه پیروفت و تکامل راه می‌پوید، و به دست با کفایت علما و فقها شکوفایی می‌یابد و به افق درخشنده و روشن منتهی می‌شود. ققیهان اندیشمند مجموعه‌های بزرگ فقهی و تألیفات گرانمایه‌ای را با شیوه‌ها و سبک‌های گوناگون از خود به جا می‌گذارند که زینت بخش کتابخانه‌های مراکز مهم علمی دنیاست، و این چنین است که به برکت تلاش و مجاهدت بی‌وقفه و خستگی ناپذیر و کوشش پیگیر فقهای اسلامی در طول تاریخ، منابع کنونی فقه ما در دوره اخیر پر مایه‌تر از همه منابع دیرینه اسلامی است.^(۱)

(۱) ر.ک: ادوار فقه و کیفیت بیان آن: ۲۵ - ۶۲.

تعریف دانشنامه

دانشنامه یا «دائرة المعارف» مجموعه‌ای فراگیر و مدون از کلیه اطلاعات و معارف در حوزه دانش بشری و یا رشته‌ای خاص از آن یا گروهی از رشته‌ها است که پاسخگوی نیازمندی‌های انسان در زمینه‌های مختلف می‌باشد. و به منظور آسان کردن دسترسی به رشته‌های علوم تدوین می‌گردد. شیخ آقا بزرگ تهرانی در کتاب «الذریعة إلى تصانیف الشيعة» ذیل واژه «دائرة المعارف» می‌گوید: «این اصطلاح برگرفته از واژه لاتین «انسیکلوپدیا» (Encyclopedia است که در یونان باستان به موضوعات مختلف کلامی که در آن زمان پایه همه علوم به شمار می‌رفتند. یعنی دستور زبان، منطق، بلاغت، حساب، هندسه، موسیقی و نجوم گفته می‌شد^(۱) بعداً انسیکلوپدیا به فرهنگ و لغت نامه‌های عمومی علوم، فنون و حرفه‌ها اطلاق گردید.^(۲)

تفاوت دانشنامه با فرهنگ‌ها در این است که فرهنگ‌ها به ارائه تعریف لغوی کوتاه از کلمه بسنده می‌کنند، اما دایرة المعارف معنای اصطلاحی کلمه در علم خاصی و یا به همراه بررسی تاریخی مسأله و اقسام و احکام و تمام مطالب مربوط به آن را می‌گویند.

ترتیب مباحث دانشنامه یا به ترتیب موضوعی است که موضوع، محور قرار می‌گیرد و به آن «دائرة المعارف موضوعی» می‌گویند، یا به ترتیب الفبایی است که مدخل‌ها براساس حروف الفبا تنظیم می‌شوند و به آن «دایرة المعارف الفبایی» می‌گویند.^(۳)

امروزه معمولاً در تدوین دایرة المعارف‌های تخصصی یا فرهنگ‌های عمومی اغلب از این شیوه استفاده می‌شود. ولی همواره چنین نبوده است و از رواج این شیوه به سده نیش نمی‌گذرد، بلکه در گذشته در بسیاری از دائرة المعارف‌ها موضوعات مهم‌تر در آغاز می‌آمد.

اصطلاح «دائرة المعارف» را نخستین بار (پطرس بستانی) در حدود سال ۱۸۷۱ میلادی به زبان عربی در حوزه اسلامی وارد کرد.^(۴)

(۱) الذریعة ۸: ۳.

(۲) دایرة المعارف عربی (المیسره) ۱: ۲۴۴.

(۳) الذریعة ۸: ۳.

(۴) الذریعة ۸: ۱۷.

پیشینه تدوین دانشنامه یا دائرة المعارف

دائرة المعارف نویسی در جهان پیشینه‌ای دیرینه دارد، و شاید چینیان نخستین ملتی بوده‌اند که در اندیشه تألیف آن برآمدند و پانزده سده قبل از میلاد مجموعه‌هایی پر حجم جنگ‌گونه نوشته‌اند که هنوز بر خرا از آن‌ها برجا است.

در اسلام نیز تدوین نخستین دائرة المعارف را باید در سیره مبارک اولین امام شیعیان حضرت علی علیه السلام جست، آن بزرگوار رساله‌ای در باره شصت موضوع از موضوعات قرآنی داشته که به نام آیات القرآن خوانده شده است.^(۱) اما دانشنامه نویسی به معنای امروزی آن به نظر می‌رسد اولین بار در جهان غرب پدید آمد. اگر چه دانشمندان مسلمان نیز از دیرباز با کتب معجم و فرهنگ‌های لغت یا اعلام و رجال و دیگر فرهنگ‌ها آشنایی داشته‌اند، اما این شیوه جدید در تدوین علوم و معارف از ابتکارات غربی‌ها به حساب می‌آید.

مرحوم شیخ آقا بزرگ تمیازی در این مورد می‌گوید: «تألیف دایرة المعارف‌ها در اسلام، فراوان و سابقه‌دار است به حدی که معرفی آن‌ها در چندین صفحه نمی‌گنجد. اما تألیف دایرة المعارف به مفهوم امروزی در ممالك اسلامی (ایران، مصر، ترکیه و دیگر کشورها) سابقه‌ای نداشته است، مگر در اواخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم.^(۲)»

دایرة المعارف نویسی به معنای امروزی آن در ایران سابقه‌ای حدوداً شصت ساله دارد نخستین اثر تألیفی و برجسته و مهم در این زمینه دایرة المعارف فارسی است که با سرپرستی مرحوم غلامحسین مصاحب تدوین شد.^(۳) در سال ۱۳۵۴ تدوین دانشنامه ایران و اسلام زیر نظر احسان یار شاطر آغاز گردید. این کوشش در سال ۱۳۶۲ با تدوین دایرة المعارف بزرگ اسلامی و دانشنامه جهان اسلام، و در سال ۱۳۶۶ با انتشار دایرة المعارف تشیع، و در سال ۱۳۷۵ با انتشار الموسوعة الفقهية الميسرة توسط جناب حجة الاسلام محمد علی انصاری خلیفه، و در سال ۱۳۷۸ با انتشار

(۱) بحار الأنوار ۹۰: ۱، باب ۱۲۸ فیما ورد عن أمير المؤمنين علیه السلام في أصناف آيات القرآن وأنواعها وتفسير بعض آياتها.

(۲) الذريعة ۸: ۱۶.

(۳) مستدرکات اعیان الشیعة ۶: ۱۹۹.

الموسوعة الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البيت (علیهم السلام) زیر نظر حضرت آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی ادامه یافت.

ضرورت تدوین دانشنامه یا دائرة المعارف فقهی:

با درک بیشتر دشواری‌ها، مشکلات و موانع موجود در راه دستیابی کامل افراد غیر متخصص به فقه، اندیشه تدوین دانشنامه یا دائرة المعارف فقه پدید آمد که نزدیک به نیم قرن از آن می‌گذرد. از میان دشواری‌ها و مشکلات این کار می‌توان به سه مشکل جدی اشاره کرد:

اول - انواری مباحث و متون فقهی: با گذشت قرون و اعصار، میراث فقهی بسیار گسترده شد و کتاب‌ها و منابع فقهی بی‌شماری به نگارش در آمد، به گونه‌ای که عمر آدمی برای فراگیری و احاطه بر آن‌ها ناکافی است. کتابخانه‌های فقهی سرشار از کتاب‌ها و تألیفات کوتاه و بلند فقهی است؛ زیرا تألیف، بی‌وقفه ادامه دارد و فقه در طول زمان و به رغم رویارویی با شرایط دشوار و مشکلاتی که گریبانگیرشان بوده دست از تدوین کتاب و نگاشته‌های فقهی بر نداشتند که متأسفانه اغلب این آثار به دست ما نرسیده و در گذر زمان از بین رفته است. اما حجمی که امروز در اختیار ما است نیز مجموعه بزرگ و در خور توجهی است که شایسته است در قالبی که برازنده محتوای آن باشد به ارباب دانش عرضه گردد. بنابراین نگارش دایرة المعارف فقهی امری طبیعی بلکه حتمی و اجتناب ناپذیر است.

دوم - دشواری زبان و اسلوب: درک تعبیر فقهی، برای یک فرد تحصیل کرده عادی دشوار است؛ زیرا اولاً، قدمت متون فقهی و تغییر ادبیات رایج، درک عبارات کتب را دشوار می‌سازد. ثانیاً، فقه در آثار فقهی‌شان از اصطلاحات علمی و تعبیرات فنی و تخصصی استفاده کرده‌اند که از نظر دلالت، بار علمی خاص خود را دارند و کسی جز متخصصان فقه نسبت به این اصطلاحات آشنایی ندارد. ثالثاً، فقه غالباً در نگارش تألیفات فقهی، فشرده نویسی را پیش گرفته‌اند، این اختصار در حدی است که گاه عبارات فقهی به اشارات و رموز پیچیده‌ای تبدیل شده است که غیر از افراد متخصص کسی قادر به فهم آن نیست.

سوم - جستجوی مسائل فقهی: جستجوی مسائل و اطلاعات فقهی از منابع، دشوار است؛ زیرا بسیاری از مسائل در لابلای ابواب مختلف فقه پراکنده‌اند و جز افرادی که از تجربه طولانی و

خبرویت در فقه بهره‌مندند، دستیابی دیگران که در این کار ممارست ندارند، بسیار مشکل است؛ زیرا با جایگاه طرح این مسائل در ابواب فقه آشنایی ندارند.

از مجموعه این ملاحظات، ضرورت تدوین یک دانشنامه فقهی که فقه اسلامی را در قالبی نو عرضه کند، در آن سه عنصر دقت، وضوح، و سهولت در ترتیب، رعایت شده باشد، روشن می‌شود. تدوین این دانشنامه در شرائط کنونی خصوصاً در زمانی که جمهوری اسلامی موجب پیشرفت و بالندگی جامعه اسلامی شده است کوششی کم نظیر و تقریباً همانندی نخواهد داشت.

پیشینه تدوین دانشنامه فقهی

بعد از آن که فقه و حقوق اسلامی توجه حقوقدانان غربی را به خود جلب نمود، تدوین این دایرة المعارف برای اولین بار در خارج از دنیای اسلام مطرح شد. در اوایل دهه پنجاه میلادی، دانشگاه پاریس کنگره فقه اسلامی را برگزار کرد و شرکت کنندگان در پایان این کنگره علمی، بر ضرورت نگارش دایرة المعارف فقه اسلامی تأکید کردند که در آن احکام و دیدگاه‌های حقوق اسلام در یک مجموعه مدون و مرتب همانند دایرة المعارف‌های حقوقی جدید، گردآوری و تنظیم گردد. از آنجا که چنین کاری، کوشش و تلاشی را می‌طلبد که در وسع و توان یک فرد نبود و از سوی دیگر نیازمند امکانات کلان مالی و فنی بود، کسانی که به این کار همت گماردند، متوجه شدند راهی برای تحقق این هدف وجود ندارد مگر با مشارکت و تلاش مشترک شمار قابل توجهی از علما، پژوهشگران و اندیشمندان که با پشتوانه امکانات مؤسسات و مراکز یا حکومت‌ها وارد این عرصه گردند.

با توجه به درک این واقعیت، نخستین تلاش برای اجرای این طرح مهم، بعد از چندین سال ظاهر شد و اولین گام از دانشگاه دمشق برداشته شد که مدتی ادامه یافت. بعد از برقراری وحدت سوریه و مصر، استمرار و تکمیل این طرح به وزارت اوقاف مصر واگذار شد که به «موسسه جمال عبدالناصر» نام گذاری گردید.

نخستین مجلد این دایرة المعارف فقهی در ۱۳۸۶ ق چاپ شد و بیش از بیست جلد آن که ناکسبه «اقتناء» رسید، انتشار یافت، سپس متوقف شد. این نخستین تلاش برای تدوین دایرة المعارف فقه بود، گرچه این کار کاستی‌هایی داشت اما با توجه به دامنه وسیع آن و نوظهور بودن طرح، امری طبیعی به

شمار می‌آید.

در اوایل دهه شصت میلادی کوشش دیگری در مصر به همت «جمعية الدراسات الإسلامية بالقاهرة» و با نظارت دانشمند معروف مصری، شیخ محمد ابو زهره، و با عنوان «موسوعة الفقه الاسلامی» شروع شد اما تنها دو جلد از آن به چاپ رسید. جلد اول آن با کلمه «آل» شروع شد و جلد دوم با کلمه «اثبات» پایان یافت. این کار تقریباً همزمان با چاپ اولین جلد از دایرة المعارف جمال عبدالناصر بود.

یاد آوری می‌شود که روش این دو موسوعه، مقارنه و تطبیق بین مذاهب معروف اسلامی از جمله فقه شیعه امامی است. با این حال دیدگاه های فقه شیعه در این دو دایرة المعارف به صورت ناقص عرضه شده است و نمی‌تواند حقیقت، جایگاه و اهمیت این فقه را بیان کند. شاید عذر دست اندرکاران این دو موسوعه آن باشد که در فقه شیعه تخصص نداشتند و دسترسی کامل به منابع این فقه نیز برایشان میسر نبود و روابطی با مراکز علمی شیعه نداشتند تا از آن‌ها یاری بخواهند.

در ۱۹۶۷ م حکومت کویت، طرح تدوین و تهیه دایرة المعارف فقهی جدیدی را پی ریزی کرد و بعد از چند سال انتظار و آماده سازی، اولین جلد این دایرة المعارف چاپ شد و در چهل و پنج مجلد انتشار یافته است.^(۱)

در جهان تشیع نیز اولین دایرة المعارف فقهی در سال ۱۳۷۵ به نام «الموسوعة الفقهية الميسرة» توسط جناب حجة الاسلام محمد علی انصاری خلیفه تدوین و انتشار یافت، و در سال ۱۳۷۸ دومین دایرة المعارف فقهی به نام «الموسوعة الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البيت (علیهم السلام)» زیر نظر حضرت آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی تدوین و منتشر شد.

تدوین دانشنامه فقه اهل بیت (علیهم السلام)

با توجه به اینکه قالب زبانی حوزه، به ویژه زبان فقه استدلالی، زبان عربی است و کتب فقهی ما عمدتاً به زبان عربی تدوین شده است، و بخش اعظمی از جامعه اسلامی که فارسی زبان هستند به آسانی نمی‌توانند مسائل مورد نیاز خود را از منابع فقهی به دست آورند و افزون بر آن مراکز آموزش

(۱) به نقل از الموسوعة الفقه الاسلامی ۱: ۸۳.

عالی کشور در زمینه مباحث فقهی و متون اسلامی مصرف کننده مباحث و تحقیقاتی هستند که در دامن حوزه‌های علوم دینی نشر یافته و در دل کتاب‌های فقهی ضبط و ثبت گردیده است. ولی با کمال تأسف با وجود چنین توسعه‌ای در عرصه تقاضا، و با گذشت چهار دهه از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی هنریک دوره فقه استدلالی شیعی به زبان فارسی نگاشته نشده، و نیز یک دوره کامل فقه از میان ابوه صدها دوره کتاب فقهی به زبان فارسی ترجمه نشده است. تدوین مجموعه‌ای کامل از فقه استدلالی که بتواند لااقل در قدم اول مهم‌ترین اطلاعات مربوط به مباحث فقهی را با ادله آن از گذشته تا حال به زبان ساده و شیوه علمی ترویجی و مشتمل بر مسائل مورد ابتلاء جامعه اسلامی به صورت کاربردی، یکجا در دسترس خواستاران آنها قرار دهد از ضرورت‌های اجتناب‌ناپذیر است و این مسئولیت سنگینی است بر دوش همه افرادی که خواستار حیات و عزت فقه اسلامی هستند و مسئول حراست از آن می‌باشند آن گونه که فقهای بزرگ پیشین، این فقه را حفظ کرده و مسئولیت خود را در برابر آن به خوبی ادا کرده و رسالت خود را به بهترین شکل به انجام رساندند.

اهداف دانشنامه فقه اهل بیت (علیهم‌السلام)

۱- «اطلاع رسانی» هدف اصلی دانشنامه نویسی است، از این رو نظر به اینکه اکثر کتب فقهی به زبان عربی نگاشته شده و عده کثیری از فارسی زبانان قادر نیستند از آنها استفاده کنند - بر آن شدیم تا با نگارش «دانشنامه فقه اهل بیت (علیهم‌السلام)» به زبان فارسی این امکان فراهم شود تا اهم اطلاعات مربوط به فقه اسلامی در همه ابواب فقه در قالب مقالات - اثرات - المعارفی ارائه دهیم، به گونه‌ای که خواننده «دانشنامه» در ذیل هر مدخل به خواسته خود دسترسی پیدا کند.

۲- اگر چه دانشنامه نویسی یک تخصص مسلم است، اما مقاله‌های آن فقط برای افراد متخصص یا گروهی خاص تهیه و تدوین نمی‌شود. به عبارت دیگر تخصص دانشنامه نویسی در این است که هم «خاص» و هم «عام» را مخاطب قرار دهد. بنابراین دانشنامه فقه اهل بیت (علیهم‌السلام) نیز بر آن بوده است تا با طیف وسیعی از مخاطبان حوزوی و دانشگاهی و غیر آنها ارتباط برقرار کند. لذا همه افرادی که خواستار آشنایی با فقه امامیه هستند می‌توانند از آن استفاده نمایند.

هدف مزبور، محدوده محتوای مورد بحث در این دانشنامه را از نظر قلمرو و ژرفا و ساختار و

منابع، مشخص می‌کند.

۳- افزون بر این، دانشنامه فقه اهل بیت علیهم السلام کوشیده است تا در کمترین حجم، بیشترین اطلاعات ممکن را ارائه دهد و از زیاده‌گویی پرهیز کند.

۴- دانشنامه فقه اهل بیت علیهم السلام سعی کرده است تا برای پژوهشگران، «اطلاعات پایه» فراهم آورد. به بیانی دیگر، پژوهشگرانی که به موضوع «فقه» می‌پردازند باید بتوانند نخستین اطلاعات مربوط به موضوع پژوهش خود را در «دانشنامه فقه اهل بیت علیهم السلام» بیابند و با این اطلاعات بستر و محدوده موضوع پژوهش خود را تشخیص دهند.

۵- در دانشنامه سعی شده در عین اتقان علمی و بیان ادله، عبارات از نثری روان و ساده برخوردار باشند تا همه علاقه‌مندان به فقه بتوانند از آن بهره‌مند شوند.

ویژگی‌های دانشنامه فقه اهل بیت علیهم السلام

ویژگی‌هایی که این دانشنامه را برجسته و ممتاز می‌سازد عبارتند از:

- ۱- نخستین دانشنامه فارسی فقه شیعی است که تمام موضوعات فقهی را در بردارد.
- ۲- نگارش به زبان فارسی و قابل استفاده برای کسانی که با زبان عربی آشنایی ندارند.
- ۳- برخورداری از جامعیت و گستردگی عناوین فقهی، به گونه‌ای که تقریباً در بردارنده تمامی عناوین موجود در متون فقهی است، بعلاوه عناوین جدیدی که مورد اصلاحی عموم مکلفان در رابطه با احکام شرعی بوده و در زبان فارسی رایج می‌باشد، اگر چه در متون فقهی گذشته نیامده باشد.
- ۴- مستند بودن مطالب ارائه شده.
- ۵- روان، ساده و قابل فهم بودن مطالب در عین علمی و متقن بودن آن‌ها.
- ۶- چینش بر اساس نظم القبای فارسی.
- ۷- در برداشتن همه مطالب فقهی موجود در کتب فقهای متقدم و متأخر و معاصر.
- ۸- توجه خاص به مسائل مستحدثه.
- ۹- طرح قواعد فقهیه به تناسب مسائل مختلف.
- ۱۰- ذکر فلسفه احکام.

منابع فقه شیعه

منابع فقه شیعه عبارتست از:

۱- کتاب الله، قرآن در همین شکل و مفاد ظاهری خود حجت، و شکل دهنده روح حاکم بر فقه شیعی است.

۲- حدیث، مراد از حدیث گفتار و کردار و تقریر پیامبر یا امام معصوم است، مکتب شیعی در مباحث فقهی، نظرات خود را عموماً از رهنمودهای بزرگان و ائمه اهل بیت پیامبر الهام گرفته است. و اختلاف اصلی دو مکتب فقهی سنی و شیعی در کیفیت تلقی سنت نبوی و منابع فقه است. اهل سنت، حدیث نبوی را از طریق صحابه پیامبر اخذ نموده‌اند، در حالی که شیعه این حدیث را از طریق خاندان وی به دست آورده است. از سوی دیگر مذاهب فقهی اهل سنت دنباله رو نظرات فقهی چند تن از فقهای مدینه و عراقند، لیکن مذاهب فقهی شیعی تابع نظرات امامان اهل بیت علیهم‌السلام هستند که از آن میان مکتب شیعی دوازده امامی که عمده‌ترین نحله شیعی است از آراء امامان دوازده گانه مشهور خود به خصوص امام ششم ابو عبد الله جعفر بن محمد الصادق علیه‌السلام پیروی می‌کند و به همین جهت به «جعفری» نیز شهرت دارد.

از نظر فقه شیعه حدیث باید با وسائط موثق و معتبر رسیده باشد که البته در این مورد وضع مذهبی راوی تأثیری ندارد. حدیثی که وسیله یک غیر شیعی راست گو نقل شده باشد به همان اندازه معتبر و مورد عمل است که حدیث شیعی راست گو.

۳- اجماع، یعنی وحدت نظر همه دانشمندان شیعی در یک موضوع، به خودی خود حجت نیست لیکن گاه به تفصیلی که در کتاب‌های اصول فقه هست از راه آن «سنت» به اثبات می‌رسد.

۴- عقل، مراد از عقل به عنوان یک منبع برای حقوق شیعی احکام قطعی عقل نظری و عقل عملی است، چنان که در خوبی عدالت و بدی ستم، در تعالیم اسلامی قاعده‌ای است که به عقل‌های آن هر آن چه عقل بدان حکم کند شرع نیز برابر آن حکم خواهد نمود و از این رو، در این گونه موارد بر حکم این قاعده که «قاعده ملازمه» خوانده می‌شود حکم شرعی از حکم عقلی ناشی و استنتاج خواهد شد. تلازم میان وجوب چیزی با وجوب مقدمات آن، یا میان امر به چیزی با نهی از ضد آن، هم

چنین این که امر و نهی در یک مورد نمی تواند جمع شود (که همه از مسائل علم اصول فقه و منشاء آثار و احکام فقهی است) همه از قبیل همین احکام عقلی است.

از این میان، منبع دوم یعنی احادیث وارده از پیامبر و امامان اهل بیت که مهم ترین منبع فقهی شیعی است در مجامعی خاص گرد آوری شده و مشهورترین آن ها که مرجع فقهاء است عبارت است از:

- ۱) کتاب الکافی، از محمد بن یعقوب کلینی (م ۳۲۹).
 - ۲) کتاب من لا یحضره الفقه، از محمد بن علی بن بابویه قمی، صدوق (م ۳۸۱).
 - ۳) تهذیب الاحکام، از محمد بن حسن طوسی، شیخ الطائفه (م ۴۶۰).
 - ۴) الاستبصار، از شیخ طوسی.
 - ۵) الوافی، از محمد بن حسن فیض کاشانی (م ۱۰۹۰).
 - ۶) وسائل الشیعه، از محمد بن حسن حر عاملی (م ۱۱۰۴).
 - ۷) بحار الأنوار، از محمد باقر بن محمد تقی مجلسی (م ۱۱۱۰).
 - ۸) مستدرک الوسائل، از حسین بن محمد تقی نوری (م ۱۳۲۰).
- از این جمله، چهار کتاب نخست به عنوان «کتاب اربعه» شناخته شده و در فن حدیث شیعی از اهمیتی همانند «صباح سته» نسبت به مجامیع حدیثی اهل سنت برخوردار است. متداول ترین کتاب از فهرست بالا در مراجعات فقهی، کتاب وسائل الشیعه است که جامع احادیث چهار کتاب نخست (کتب اربعه) و بسیاری از کتابهای حدیث دیگر است، و چون منحصر به روایاتی است که در مباحث فقهی رسیده است کتاب دستی برای مراجعه هر فقیهی است.

محدوده منابع

محدوده منابع این دانشنامه، با توجه به اهداف آن تعیین شده است. هدف، تدوین دانشنامه ای تخصصی است که نشان دهنده میراث عظیم فقه شیعه باشد. از این رو، منابع آن به تناسب این هدف، گسترده خواهد بود:

۱. محدوده منابع از نظر زمانی، از شروع غیبت کبری یعنی اوایل قرن چهارم هجری تا اواخر قرن

چهاردهم، بلکه اوایل قرن پانزدهم امتداد دارد.

۲. با توجه به باز بودن باب اجتهاد و تکثر نظریات فقهی حتی در يك عصر، حوزه این مصادر گسترده‌تری پیدا می‌کند، بلکه گاه از يك فقیه چندین نظریه به چشم می‌خورد که ما را وادار می‌سازد که کتاب‌های متعدد این فقیه مراجعه کنیم، به خصوص اگر از طبقه پیشین فقها باشد.

۳. تنها به يك دسته از منابع، اکتفا نکرده‌ایم، بلکه هم به کتاب‌های فتوایی و هم به کتاب‌های استدلالی، نیز به کتب فقه مقارن و کتاب‌های جامع اقوال، حتی به کتاب‌های روایی و حدیثی و آیات الاحکام، مراجعه کرده‌ایم.

بدین جهت منابع مورد استفاده ما بالغ بر ده‌ها عنوان کتاب خواهد بود، و این از طرفی مسئولیت را مضاعف و سنگین می‌کند و از سوی دیگر به غنای بحث‌های این دانشنامه می‌افزاید.

قابل توجه است که برخی از منابع در دسترس ما نبوده و مفقودند، مانند کتاب‌های ابن جنید و ابن ابی عقیل و دیگران. بنابراین در چنین مواردی راهی جز نقل با واسطه وجود نداشت.

در این جا به مهم‌ترین منابع فقهی این دانشنامه اشاره می‌کنیم. ترتیب این منابع بر اساس مراحل ششگانه‌ای است که فقه امامیه تاکنون سپری کرده است اگر چه برخی از این منابع، نماینده اندیشه غالب در آن مرحله تاریخی نیستند.

الف) مرحله تاسیس (نیمه قرن سوم اوایل قرن پنجم)

۱-۲. مقنع و هدایه شیخ صدوق (م ۳۸۰ق)

۳. مقنع، شیخ مفید (م ۴۱۳ق)

۴-۶. انتصار، جمل العلم والعمل، الناصریات، سید مرتضی (م ۴۳۶ق)

۷. الکافی فی الفقه، ابوالصلاح حلبی (م ۴۴۶ق)

۸. المراسم العلویه، سلار دیلمی (م ۴۶۳ق)

ب) مرحله جهش و شکوفایی (اوایل قرن پنجم نیمه قرن هفتم)

۱-۶. النهاية فی مجرد الفقه و الفتوی، مبسوط، خلاف، الجمل و العقود، اقتصاد و ابن‌غاز شیخ

طوسی (م ۴۶۰ق)

۷-۸. مهذب، جواهر الفقه، ابن‌براج (م ۴۸۰ق)

۹. اشاره السبق، ابن ابی المجد حلبی (ق ۶)
۱۰. فقه القرآن، قطب الدین راوندی (م ۵۷۳ق)
۱۱. الوسيلة الى الفضيلة، ابن حمزه طوسی (م ۵۷۰ق)
۱۲. غنية النزوع، ابوالمکارم ابن زهرة (م ۵۸۵ق)
۱۳. اصباح الشيعة، کیدری (ق ۶)
۱۴. السرائر، ابن ادریس (م ۵۹۸ق)
- ج) مرحله استقلال و تکامل (نیمه قرن هفتم نیمه قرن دهم)**
 - ۱-۲. شرائع الاسلام، المعتمد في المختصر، محقق حلی (م ۶۷۶ق)
 ۳. الجامع للشرائع، یحیی بن سعید (م ۶۹۰ق)
 - ۴-۱۰. ارشاد الاذهان، قواعد الاحکام، تحرير الاحکام الشرعيه، منتهی المطلب، تذکرة الفقهاء، نهاية الاحکام، مختلف الشيعة، علامه حلی (م ۷۲۶ق).
 ۱۱. ايضاح الفوائد، فخر المحققين (۷۸۱ق)
 - ۱۲-۱۶. الدروس الشرعية في فقه الامامية، معه، ذكرى الشيعة، البيان، الفيه شهيد اول (م ۷۸۶ق)
 - ۱۷ و ۱۸. التنقيح الرائع، كنز العرفان، فاضل مقداد (م ۸۲۶ق)
 ۱۹. المذهب البارع، ابن فهد حلی (م ۸۴ق)
 ۲۰. جامع المقاصد، محقق کرکی (م ۹۴۰ق)
 - ۲۱-۲۳. مسالك الافهام، الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية، روض الجنان في شرح ارشاد الاذهان، شهيد ثاني (م ۹۶۶ق)
- د) مرحله افراط و تفريط (نیمه قرن دهم های پایانی قرن دهم)**
 - ۱ و ۲. مجمع الفائدة و البرهان، زبدة البيان، محقق اردبیلی (م ۹۹۳ق) و ۳ و ۴. مدارك الاحکام، نهاية المرام، سيد محمد عاملی (م ۱۰۰۹ق) ۵. مسالك الافهام في آيات الاحکام، فاضل جواد (م ۱۰۶۵ق)
 - ۶ و ۷. كفاية الاحکام، ذخيرة المعاد، محقق سبزواری (م ۱۰۹۰ق)
 ۸. مفاتيح الشرائع، فيض كاشانی (م ۱۰۹ق)
 ۹. مشارق الشمس، خوانساری (م ۱۰۹۹ق)

- ۱۰ و ۱۱. وسائل الشيعة، بداية الهداية، حر عاملی (م ۱۱۰۴ق)
- ۱۲ و ۱۳. كشف الثام، المناهج السويه، فاضل اصفهانی (م ۱۱۳۷ق) ۱۴. الحدائق الناضره، يوسف بحرانی (م ۱۱۸۶ق)
- هـ مرحله اعتدال (اواخر قرن دهم نیمه قرن سیزدهم)
 ۱. مصابيح الظلام، وحید بهبهانی (م ۱۲۰۵ق)
 ۲. لوامع الاحكام، محمد مهدی نراقی (م ۱۲۰۹ق)
 - ۳ و ۴. مصابيح الاحكام، الدرۃ النجفیه، سید مهدی بحر العلوم (م ۱۲۱۲ق)
 ۵. مفارح الکرامه، سید محمد جواد عاملی (م ۱۲۲۶ق)
 ۶. كشف البطاء، جعفر جناحی (م ۱۲۲۸ق)
 ۷. رياض المسائل، سید علی طباطبائی (م ۱۲۳ق)
 - ۸ و ۹. جامع الشتات، غنائم الايام، میرزای قمی (م ۱۲۳ق)
 ۱۰. مقابس الانوار، تستری (م ۱۲۳۷ق)
 ۱۱. مناهل، سید محمد مجاهد (م ۱۲۴۳ق)
 ۱۲. مستند الشيعة، احمد نراقی (م ۱۲۴۴ق)
 ۱۳. مطالع الانوار، شفتی (م ۱۲۶۰ق)
 ۱۴. جواهر الکلام، نجفی (م ۱۲۶۶ق)
- و) مرحله کمال (از نیمه قرن سیزدهم)
 - ۱ و ۲. الطهاره، المكاسب، انصاری (م ۱۲۸ق) علاوه بر شروح و تعلیقات بر مکاسب.
 ۳. مصباح الفقيه، محقق همدانی (م ۱۳۲۲ق)
 ۴. عروة الوثقی، یزدی (م ۱۳۳۷) با تعلیقات بزرگان
 - ۵ و ۶. منهاج الصالحین، المستمسک فی شرح العروه، حکیم (م ۱۳۹۰ق)
 - ۷ و ۸. الفتاوی الواضحه، بحوث فی شرح العروه، شهید صدر (م ۱۴۰۰ق)
 - ۹-۱۱. تحریر الوسیله، بیع، المكاسب المحرمه، امام خمینی (م ۱۴۰۹ق)
 - ۱۲-۱۴. منهاج الصالحین، المستند فی شرح العروه، المعتمد، خوئی (م ۱۴۱۳ق)

افزون بر این منابع، تقریرات بحث‌ها و مصنفات و رسایل این بزرگان نیز مورد استفاده بوده است: محقق خراسانی (م ۱۳۲۹ق)، میرزای نایینی (م ۱۳۵۵ق)، محقق آغا ضیاء الدین عراقی (۱۳۶۱ق)، محقق اصفهانی (م ۱۳۶ق)، سید کاظم یزدی (م ۱۳۳۷ق).^(۱)

ممکن است به منظور استحکام و اتقان هر چه بیشتر مباحث و استخراج آن‌ها از منابع اصلی، نهایت کوشش را در همه موارد به کار بسته‌ایم، مگر در مواردی که دسترسی به مصادر اولیه نداشتیم. ابتدا به منابع لغوی و سپس به منابع فقهی و روایی و دیگر منابع مراجعه کرده‌ایم، گاه به منظور استحکام و توثیق مطلب، بیش از یک منبع را معرفی نموده و موارد اختلاف منابع را متذکر شدیم.

اصول و ضوابط تدوین دانشنامه فقه اهل بیت (علیهم السلام)

۱- کلیات

الف - برای رعایت اصل بی‌طرفی و بی‌طرفی، همه آراء و دیدگاه‌های مهم و مبنایی در هر موضوع به صورت مستند و بدون افزایش و کاهش آورده می‌شود. بدیهی است چنانچه مؤلف در موضوعی دارای رأی خاص باشد آن را در آخر بحث ذکر می‌کند.

ب - مباحث فقهی طرح شده در این دانشنامه صرفاً با رویکرد علمی تنظیم می‌شوند و جنبه فتوایی ندارند، از این رو، هرگز نباید انتظار داشت که ذکر آراء قیّمان در این کتاب مقلدان را سودمند افتد.

ج - با توجه به هدف اصلی تدوین این دانشنامه، در هر موضوع فقط به ارائه اطلاعاتی می‌پردازد که جنبه فقهی داشته باشد. و چنانچه مباحثی در قلمرو دیگر مطرح شود صرفاً آن باب ضرورت و ارتباط با آن رویکرد فقهی است.

۲- **مدخل‌گزینی:** در این مرحله، نخست، با استفاده از منابع فقهی تمام واژگانی که در فقه کاربرد دارند، گردآوری می‌شود. آنگاه از میان آن‌ها واژگانی که بر اساس شیوه‌نامه دانشنامه فقه اهل بیت (علیهم السلام) صلاحیت مدخل بودن دارند، گزینش و بر پایه الفبای فارسی مرتب می‌شوند. در این سپس،

(۱) بخش (محدوده منابع) از فصلنامه فقه اهل بیت (علیهم السلام)، اخذ شده است (ر، ک: شماره ۳۲: ۱۰۶-۱۱۰).

مجموعه مدخل و شناسه با هم در نظر گرفته می‌شوند؛ پس اگر دو مدخل مشترک باشند حروف شناسه در چینش مدخل‌ها مؤثرند.

در تعیین مدخل به این اصول توجه می‌شود:

الف - آئینه موضوع باشد، به نحوی که مخاطب به محض دیدن آن به موضوع مقاله انتقال یابد.
ب - مشهور باشد، تا مخاطب در وهله نخست آن را غریبه نپندارد.

ج - از پیش اعتبار یافته باشد، بنابراین از انتخاب مدخل‌های مجعول پرهیز می‌شود.

۳- **تشکیل پرونده علمی:** در پرونده علمی فهرست و تصویر مجموعه‌ای از منابع و مدارک هر مقاله جمع‌آوری می‌شود به گونه‌ای که هنگام تدوین مقاله تا حدی قابل توجه از مراجعه به منابع نیازی نباشد. همچنین سعی می‌شود در مرحله تشکیل پرونده علمی برای هر یک از مدخل‌ها، با استفاده از نرم افزارهای تخصصی و با کمک عنوان و واژگان مترادف، متضاد و مانند آن، نشانی منابع، همراه تمام یا بخشی از مطالب، تهیه و در اختیار محقق و نویسنده قرار گیرد.

۴- **نگارش مقالات:** در این مرحله نویسنده با استفاده از پرونده علمی به منابع مراجعه و پس از گردآوری اطلاعات مورد نیاز و تنظیم آن‌ها، مقاله را بر اساس حجم و ساختار مطلوب و نیز قواعد درست نویسی که در شیوه نامه دانشنامه فقه اهل بیت (علیهم‌السلام) آمده است، تدوین می‌کند.

مهم‌ترین اصل در نگارش مقالات پیروی از قواعد پذیرفته شده مکتوب یا عرفی در قلمرو دستور زبان، لغت، معانی بیان، و ساختار نوشته است.

گردش کار

مراحل گردش کار در تدوین دانشنامه فقه اهل بیت (علیهم‌السلام) از آغاز تا فرجام چنین است:

۱- مدخل‌گزینی

۲- تشکیل پرونده علمی

۳- نگارش مقالات

۴- ارزیابی ساختاری و محتوایی و اصلاح مقاله

مقاله پس از تدوین، از دو بعد ساختاری (حجم ارجاعات داخل متن، رعایت قواعد درست نویسی، تنظیم و چینش مطالب و اعتبار منابع استفاده شده) و محتوایی (درستی مطالب و مطابقت

آنها با منابع، استناد و جامعیت) بررسی می‌شود. و اصلاحات لازم اعمال خواهد شد.

۵- حروف نگاری

در این مرحله، مقاله برای حروف نگاری و نمونه خوانی ارسال می‌شود

۶- ویرایش

پس از انجام گرفتن اصلاحات نهایی، مقاله برای ویرایش ادبی (یکسان سازی رسم الخط، نشانه گذاری، اعمال قواعد سجاوندی و آدرس دهی) ارسال و بر اساس شیوه نامه دانشنامه فقه اهل بیت علیهم السلام ویرایش می‌گردد.

۷- تکمیل و اصلاح حروف نگاری بر اساس اصلاحات نهایی

۸- کنترل نهایی

مقاله‌های تدوین شده به لحاظ صحت، جامعیت، تناسب حجم و انطباق مطالب با مدخل، به وسیله مسئول دانشنامه، بازبینی می‌شود.

در پایان اشاره به این نکته لازم است که طرح دانشنامه فقهی بر اساس فقه اهل بیت علیهم السلام ویژگی خاص خود را دارد و از جهت پیچیدگی و دشواری امکانات و فرصت‌های علمی و عملی لازم، برخورداری طراحان از تخصص‌های فقهی و ادبی و فی‌البداهه دیگر طرح‌های علمی و فرهنگی، متفاوت است. بنابراین از توان یک فرد خارج بوده و کوشش جمعی و تلاش مشترک صاحبان تخصص‌های گوناگون را می‌طلبد، تا آن را از نظر کمی، کیفی و زمانی در حد مطلوب به ثمر رسانند. ولی به هر تقدیر با یاری خداوند به تنهایی آن را شروع کردم، و خوشبختانه پس از انتشار چاپ اول کتاب جمعی از اساتید و فضلاء گرانقدر با اینجانب برای ادامه کار همراه شدند تا با هم در دست در دست هم گذاشته و کاری چنین سترگ را به سرانجام برسانیم که برخورد لازم می‌دانم از حضور همه این عزیزان تشکر کنم.

و من الله التوفیق